

۳ افق

مذاکره با آرایش جنگی
آیا برت مک گورک پیروز می شود؟

۵ تماشا

سندی علیه سینما
مخالفت خانه سینما با تصویب سند ملی سینما

۷ توسعه

در انتظار فرمانده
چه کسانی برای اقتصاد ایران تصمیم می گیرند؟

مدافع زنان آمد

مراسم تودیع انسیبه خزعلی
و معارفه زهرا بهروزآذر برگزار شد

۷ کوچه



یادداشت روز

چگونگی رفع تحریم

وزیر امور خارجه دولت پزشکیان
چه چالش‌هایی پیش رو دارد؟عبدالرضا فرجی‌راد
دیپلمات پیشین و استاد ژئوپلیتیک

آقای دکتر سیدعباس عراقچی سابقه زیادی در وزارت خارجه دارد و کار دیپلماتیک را با تحصیل در دانشکده روابط بین‌الملل وزارت خارجه شروع کرد که در آن زمان دانشجویان برای آنکه تجربیات عملی خوبی را در حوزه دیپلماتیک کسب کنند به سفرهای خارج از کشور اعزام می‌شدند و شبیه‌سازی‌هایی انجام می‌گرفت که پخته‌تر شوند و البته که در آن دوره‌ها، تدریس و فراگیری زبان خارجی از سوی دانشکده خیلی جدی‌تر پیگیری می‌شد. زمانی که ایشان فارغ‌التحصیل شد، وارد کار سیاسی شده همچنین تا مقطع دکتری ادامه تحصیل داد و به تدریج مسیر پیشرفت را مانند سایر دیپلمات‌ها طی کرد. اولین دوره سفارت ایشان در فنلاند بود و پس از بازگشت به تهران، رئیس اداره اروپای غربی و بعد هم معاونت آسیا را به عهده گرفت سپس به عنوان سفیر ایران در ژاپن خدمت کرد. تجربیاتی هم در معاونت بین‌الملل داشت و در آنجا با آقای دکتر ظریف آشنا شد و در نهایت در دولت حسن روحانی وارد تیم مذاکره‌کننده در مورد برجام شد. ایشان وزارت خارجه را به خوبی می‌شناسد و اگر بخواهیم از حیث تجربه ایشان را مورد ارزیابی قرار دهیم باید بگوییم که آقای عراقچی انتخاب خوبی برای وزارت خارجه است. این در حالی است که بحث دیپلماسی اقتصادی یکی از اولویت‌های ایشان در وزارت خارجه خواهد بود.

مسئله اصلی این است که آقای پزشکیان در شعارهای انتخاباتی و وعده‌هایی که به مردم ارائه کردند، رفع تحریم‌ها در چارچوب سیاست خارجی را برجسته کردند و اعلام شد تا زمانی که تحریم‌ها از میان برداشته نشود، نمی‌توان مشکلات اقتصادی را در داخل بهبود بخشید که اتفاقاً حرف درستی به حساب می‌آید. به همین سبب آقای عراقچی به دلیل آشنایی که با مذاکرات مذکور (چه در مورد آمریکا و چه در مورد اروپا) دارند، طبیعتاً فرد مناسبی برای اداره وزارت خارجه به حساب می‌آید. البته افراد دیگری مانند دکتر سیدمحمد صدر و علی‌اکبر صالحی هم در این میزبان مطرح بودند اما چون دستور کار اصلی وزارت خارجه طی حداقل دو سال آینده موضوع مذاکرات خواهد بود، به نظر گزینه مناسبی برای وزارت خارجه برای کمک کردن به رئیس‌جمهور برای رسیدن به اهدافشان انتخاب شده است.

آنچه مسلم است این خواهد بود که اگر رئیس‌جمهور بخواهد، شعارهایی که ارائه داده را محقق کند بدون شک آقای عراقچی آنها را دنبال می‌کند و بحث‌های دیگر که مطرح شده به نظر برداختن به حاشیه از سوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس است. به عنوان مثال از عبارت «باند نیویورکی‌ها» در این میان استفاده شده و حتی در این کمیسیون از ایشان در این خصوص سوال پرسیده شده که اساساً استفاده از واژه «باند» برای هیچ طیف و جریانی در کشور صحیح نیست. واقعیت این است که برخی از کارشناسان کشور ما مانند آقای دکتر ظریف یا آقای دکتر روانچی و چندی دیگر که در وزارت خارجه پست گرفتند و بعداً هم در معاونت بین‌الملل مشغول به کار شدند از سوی دستگاه دیپلماسی کشورمان در سازمان ملل مأموریت داشتند و به دلیل اینکه تجربه بین‌المللی پیدا کرده بودند، وارد معاونت بین‌الملل شدند. اتفاقاً آقای دکتر عراقچی از جمله مسئولینی بودند که مأموریتی به نیویورک نداشتند و عملاً از درون وزارت خارجه رشد کردند و بالا رفتند ولی ایشان بالاخره با کسانی که در معاونت بین‌الملل حضور داشتند، آشنا شدند که این هم یک امر طبیعی است. به همین جهت اساساً این سوال که برخی‌ها مطرح کرده‌اند که آیا ایشان جزو باند نیویورکی‌ها بوده، نه تنها از لحاظ استفاده از واژه‌ها ناصحیح است بلکه به هیچ وجه در مورد آقای عراقچی صدق نمی‌کند و مأموریت‌های ایشان عموماً حوزه اروپا (نوردیک) و آسیا بوده که سوابقشان هم موجود است.

ادامه در صفحه ۳

ضرورت بازگشت ظریف

رئیس‌جمهور پزشکیان باید از تمام ظرفیت خود برای بازگشت ظریف به دولت و حل مسائل او استفاده کند

هدا احمدی
گروه سیاسی

ظریف هنوز هم نگران است و چون کوه پشت مسعود پزشکیان ایستاده، حتی پس از شوک شبانه استعفایش که در انتقاد به کابینه دولت جدید توسط خودش در ایکس منتشر شد و واکنش‌های زیادی هم داشت. ظریف در بیانیه ۱۷ خطی خود می‌نویسد: «از ۱۹ و ۲۰ روز معرفی شدند، سه نفر نامزد نخست، ۶ نفر نامزد دوم یا سوم و یک نفر نامزد پنجم کمیته‌ها یا شورای راهبری بودند. بارها گفته بودم که انتخاب اعضای دولت حق رئیس‌جمهور است و شورای راهبری و کمیته‌ها نهاد مشورتی هستند. از ایشان سیاست‌گذارم که این اقتدار را به بنده دادند که در این تجربه جدید و ابتکار شجاعانه، مشارکتی داشته باشم». توثیقی که طولی نکشید و توسط او توضیح داده شد. ظریف این بار در اینستاگرام نوشت: «پیام دیشب بنده به معنای پیشیمانی یا ناامیدی از دکتر پزشکیان عزیز یا مخالفت با واقع‌گرایی نیست؛ بلکه به معنای تردید در مفید بودن خودم در معاونت راهبری است». اما گفت و گو‌ها بین مردم در فضای مجازی و تحلیل‌گران همچنان ادامه دارد. شاید چنین واکنش‌هایی را بتوان ناشی از سخنان در کارزار انتخاباتی مسعود پزشکیان دانست که تاکید می‌کرد «مهم است چه کسی در پاستور بنشیند». طبیعتاً با این اوصاف مسعود پزشکیان باید تمام تلاشش را برای برگشت ظریف انجام دهد زیرا این امر بر هیچ‌کس پوشیده نیست که دولت چهاردهم بدون یکی از بال‌های پر قدرتش امکان پرواز برایش محدود خواهد بود، بنابراین نباید فراموش کنیم که ضرورت بازگشت محمدجواد ظریف که خودش به تنهایی وزنه سنگین انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری بود، قابل انکار نیست.

ادامه در صفحه ۲



دیدگاه: یادداشت روز

انتظارات از دولت جدید

مبنای نظر درباره دولت باید عقلانیت باشد



محمد رازی فرد

پس از کش و قوس‌ها و حرکات سینوسی در ارتباط با تعیین وزرای جدید که بر مبنای طرحی نو گزینش شدند و اگر فرض را بر این باور بگذاریم که تمامی وزرا از مجلس رای اعتماد می‌گیرند، آنگاه رئیس‌جمهور باید بر مبنای وعده‌های داده شد در زمان مناظرات و جدال‌های انتخاباتی و با توجه به وزرای انتخابی، کار دولت را آغاز کند.

از ابتدای روز مشخص شدن ریاست‌جمهوری در خروجی صندوق‌های رای کاملاً مشخص و واضح بود که دکتر پزشکیان در شروع دولت‌اش، کاری سخت و توان‌فرسا در پیش دارد، البته قول‌های ایشان عدد و رقم نبود که مثلاً چه میزان خانه برای مردم بسازد یا تورم را به یک رقم تنزل دهد بلکه دو اصل را پررنگ‌تر کرد، یکی برطرف کردن فیلترینگی که جز مردم، مسئولان و مدیران بدون استفاده از فیلترشکن به آن دسترسی دارند تا شرایط مشاغلی که با توجه به فیلتر شدن دچار مشکل و سکنه شدند، دوباره احیا شوند و دیگری یافتن راه‌حلی منطقی و عقلانی برای حل مشکل بفرنج، طرح‌های زنجیره‌ای عفاف و حجاب که اینک تبدیل به یک معضلی شده که با تمام تقدایی که بر نوع رفتار ماموران با به اصطلاح بدحجابان یا شل‌جوابان به عمل آمد اما نه گوش شنوایی بود و نه چشم بینایی، واقعیت این است که نیروی انتظامی در این مقوله بیشترین ضریب اجتماعی را خورد تا از آن اهداف بزرگ دور دور بماند و حساسیت‌های اجتماعی را برانگیزاند. همین دو وعده، کاری است سهل و ممتنع، یعنی اینکه بسیار دشوار اما شدنی است.

انتظارات از دولت جدید باید مبتنی بر عقلانیت و واقعیت موجود در جامعه ما باشد اینکه از روز اول انتظار داشته باشیم که ناگهان دلار تبدیل به ۳۰ هزار تومان شود و سکه ۲۰ میلیون تومان و تورم تک‌رقمی و هزاران مگاوات برق ناتراز کشور عملیاتی شود، فکری عبث و بی‌هوده است. آمارها نشان می‌دهد که اوضاع اقتصادی و فرهنگی و سیاسی کشور بر مدار خوبی نمی‌چرخد و دولت باید پای بر میدانی بگذارد که بر است از مین‌هایی که یک‌به‌یک باید خنثی شوند تا راه برای عبور باز شود.

به نظر می‌رسد که برای روشن شدن و گذاشتن سققی برای انتظارات مردم که بسیار هم منطقی است باید تمامی وزارتخانه‌های دولت سیزدهم را بر مبنای اعداد و ارقام و آمارهای داده شده کاملاً رسیدگی و راستی‌آزمایی کرد و به مردم ارائه داد تا بتوان منطق جامعه را برحسب آن فائق آورد. دولت چهاردهم نیز باید در انتظار تقدایی باشد که بر آن وارد می‌شود، رواداری از مهم‌ترین اهداف دولت است و مدیرانی که پاس‌خگوی مردم باشند و تن به شفافیت دهند!!!...

کانال سازندگی

سخنان پزشکیان تغییری نکرده است

فهرست وزرای مورد اعتماد مسعود پزشکیان تقدیم مجلس دوازدهم شده است و انتظار می‌رود پارلمان نیز تا یک هفته آتی این فهرست را تعیین تکلیف کند؛ فهرستی که در همان نخستین ساعات انتشار با واکنش‌های گسترده‌ای همراه شد. در همین راستا محمد هاشمی، عضو حزب کارگزاران سازندگی سازندگی ایران به فرارو می‌گوید که پزشکیان، از همان دوران تبلیغات انتخاباتی هم برخی مسائل را مطرح می‌کرد که نشان از تأکید ایشان بر فعالیت فراجنبانی بود. ایشان مدام می‌گفتند که قرار نیست فقط با یک گروه خاص همکاری کند. صحبت‌های آقای پزشکیان عمدتاً مبتنی بر لزوم همکاری با همه جریان‌ها بود. ایشان از همان روزها هم معتقد بود باید با همکاری همه جناح‌ها، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی فعالیت کرد و کابینه تشکیل داد. نکته دیگر اینکه آقای پزشکیان تأکید داشتند که با هیچ گروهی دعوی وجود ندارد و باید همه با هم همکاری و اتفاق نظر داشته باشند. همچنین ایشان مدام صحبت از انسجام کابینه می‌کردند. به اعتقاد من کابینه‌ای که توسط آقای پزشکیان معرفی شده است مبتنی بر همان سخنانی است که پیش از انتخابات مطرح می‌کرد. او سعی کرده افرادی را از جناح‌های مختلف انتخاب کند تا به وعده‌های داده بود، عمل کند.

رهبر انقلاب در پاسخ به نامه رئیس کمیته ملی المپیک:

به خاطر شاد کردن مردم سپاسگزارم

در پی نامه رئیس کمیته ملی المپیک خطاب به رهبر انقلاب اسلامی و ارائه گزارشی از دستاوردهای ورزشی و فرهنگی اعضای کاروان ورزشی جمهوری اسلامی در بازی‌های المپیک و شاد کردن دل مردم ورزش‌دوست ایران، آیت‌الله خامنه‌ای سیاست‌گذاری صمیمانه خود را از ورزشکاران خوش روحیه و با اراده کشورمان اعلام کردند. رهبر انقلاب اسلامی در حاشیه نامه رئیس کمیته ملی المپیک نوشتند: «از ورزشکاران عزیز و خوش‌روحیه و با اراده و از رؤسای فدراسیون‌ها و مربیان و از کمیته ملی المپیک که در مسابقات اخیر مایه شادی و سربلندی کشور را در صحنه ورزش فراهم آوردند، صمیمانه سپاسگزارم. موفق باشید ان‌شاء‌الله». آقای محمود خسروی‌وفا، رئیس کمیته ملی المپیک در نامه خود در ارتباط با موفقیت‌های کاروان ورزشی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «خادم‌الرضا (ع)» به برخی دستاوردهای ورزشی و فرهنگی ورزشکاران کشورمان از جمله کسب بالاترین تعداد مدال در المپیک پاریس پس از المپیک لندن در سال ۱۳۹۱، حضور بی‌سابقه بانوان در کاروان ورزشی ایران و درخشش فوق‌العاده این بانوان و کسب عناوین مهم در برخی رشته‌ها برای اولین بار در رقابت‌های المپیک، اشاره کرده بود.

ادامه تیتربک

ضرورت بازگشت ظریف

کرد تا اثرگذاری‌اش برای ایران را بکاهد؛ چرا باید با خودتحریمی، ایران از خدماتش محروم شود؟»

نکته قابل توجه، واکنش معنادار پسر پزشکیان بلافاصله بعد از استعفای ظریف است که حاکی از شکایت او از این استعفا بود. یوسف پزشکیان نوشت: «آنچه امروز مهم‌تر از منتقد صریح دلسوز و متلق تأییدگر چاپلوس است، وجود افرادی است که اولاً واقع‌بین باشند، ثانیاً جامع‌نگر باشند و ثالثاً به اجماع‌سازی معتقد باشند». همچنین آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات ایران در توییتهای این‌طور واکنش نشان داد: «از اعلام کناره‌گیری جنابعالی بسیار متأسف شدم. زحمات بسیاری در انتخابات و همراهی با دکتر پزشکیان و نیز شورای راهبری متقبل شدید و به طور قطع حضور شما در ادامه نیز مزیت‌های بسیاری به‌خصوص برای پیگیری مطالبات مردم دارد. بمانید و ادامه دهید».

فارغ از واکنش‌هایی که بیشتر مختص به طیف اصلاح‌طلب و میانه‌رو بود، اصولگرایان مخالف ظریف نیز طبق معمول بیکار ننشستند و تلاش دارند از آب کره بگیرند. مثلاً حمید رسایی پس از توییت استعفای ظریف نوشت: «مطابق ماده ۲ قانون نحوه انتصاب

ظریف با تمام توانش برای حمایت از پزشکیان به میدان آمد تا نگذارد سال‌ها حضور تدریجی و خالص‌سازان مجدداً تکرار شود.

حضور او در این شرایط برای پاسخ به افرادی چون سعید جلیلی لازم بود. این اولین بار است که فردی مانند ظریف که بسیاری او را در قامت یک رئیس‌جمهور می‌دانند این‌چنین وارد انتخابات شد و گفت: «فرض کنید من این روزها (انتخابات چهاردهمین ریاست‌جمهوری) از خودم مایه نگذاشته بودم. من این آبرو را برای کی می‌خواستم؟»

همین تلاش‌ها و سخنان پرشوق‌وشور ظریف بود که به قول خودش کت از تن درآورد تا بار دیگر برای ایران، مردمی که با صندوق‌های رای قهر کرده بودند را به میدان بازگرداند که خب با اینکه حدود ۵۰ درصد شرکت نکردند اما باز هم بسیاری از مرددین به پزشکیان رای دادند تا کمی از بار تدریجی‌ها و افکار بسته از روی جامعه بکاهند. حضور ظریف در برنامه زنده تلویزیونی در قامت مشاور سیاسی مسعود پزشکیان، جنجالی به یاد کرد که باعث شد پس از آن از او به عنوان بازوی راست پزشکیان در انتخابات تیرماه نام ببرند. حرف‌وحديث جریان مخالف‌ها و کماکان ادامه داشت تا جایی که پس از پیروزی پزشکیان در انتخابات ریاست‌جمهوری، سخن از تشکیل شورای راهبری به میان آمد. شورایی که با حکم مستقیم رئیس‌جمهور جدید، ریاستش را محمدجواد ظریف برعهده داشت. آن‌طور که ظریف اعلام کرده بود، کار این شورا که متشکل از کمیته‌های تخصصی است، تعیین کابینه به‌ویژه وزراست. در همین حین گمانه‌زنی‌ها درخصوص اینکه احتمال دارد که ظریف معاون سیاسی رئیس‌جمهور شود، شروع شد تا جایی که خبر آمد او به سمت معاونت راهبری و ریاست مرکز تحقیقات استراتژیک منصوب شده است.



برجام را انکار کردند. به ظریف تاخند و البته دولت را هم بی‌نصب نگذاشته بودند. یکی از عجایب پایداری‌ها برای استیضاح ظریف در مجلس دهم این بود که می‌گفتند: «مخومه شدن پرونده نظامی ایران (PMD) به طور رسمی در نتیجه مذاکرات برجام از دستاوردهای شگرف و قطعی جمهوری اسلامی است که مخالفان برجام و ظریف نیز همیشه در این خصوص سکوت کرده‌اند تا مبادا حسنی از محاسن تیم دیپلماسی منتشر شود!» یعنی برای این دستاورد به طور کل تیم سیاست خارجه دولت را نادیده گرفتند. یا اینکه مدعی بودند که دستگاه دیپلماسی درخصوص کشتار حجاج در منا و عدم احقاق حقوق ملت ایران و خانواده‌های آنها موضعی منفعلانه داشت. این سوال حداقل دو بار به طور رسمی هم در ابتدای حادثه منا و هم در سال ۹۶ در کمیسیون امنیت مطرح شده بود و ظریف کل اقدامات وزارت امور خارجه را از بدو حادثه تا پیگیری‌های بعدی و نیز محدودیت‌ها و موانع را به تفصیل تشریح کرده بود.

یکی دیگر از بهانه‌هایی که دو بار در سال ۹۶ و ۹۷ در مجلس نهم توسط چند نماینده اصولگرا مطرح شده بود تا آن ظریف را استیضاح کنند این بود که ظریف به اقتصاد در دیپلماسی بی‌توجهی می‌کند. اما مهم‌ترین بهانه آنها درخصوص موضوع FATF بود. همان زمان اسماعیل گرامی‌مقدم در رابطه با علل و انگیزه حقیقی استیضاح‌کنندگان، گفته بود: «برخی ثروتمندان برای آنکه اسنادی برای دارایی خودشان ندارند از تصویب مقررات پولشویی واهمه و نگرانی دارند. در کل به نظر نمی‌رسد استیضاح‌کنندگان دارای استدلال قوی و منطقی به نفع مردم داشته باشند».

فارغ از انگیزه‌های پیدا و پنهان اقلیت نزدیک به جبهه پایداری در مجلس که این‌چنین با تمام قوا دست به کار استیضاح وزیر امور خارجه شدند آنچه شاید بیش از این حائز اهمیت باشد، یافتن پاسخ پرسش دوم درباره اهمیت این استیضاح است و صحبت درباره اینکه استیضاح ظریف به چه معنایی بود. ۲۴ نماینده متعلق به اقلیت جبهه پایداری در فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس دهم خود را برای استیضاح محمدجواد ظریف آماده کرده بودند و با این همه هم خود این ۲۴ نماینده اصولگرا، هم ۲۶۶ نماینده دیگر مجلس، هم دولتی‌ها و هم فعالان و ناظران عرصه سیاست داخلی و خارجی به خوبی می‌دانستند که برکناری وزیر امور خارجه در پی استیضاح تقریباً غیرممکن است. مجلس دهم اگرچه برای دلواپسانی همچون حاجی‌دلگانی و کریمی قدوسی جا داشت ما واقعیت حاکم بر این مجلس اعتدالی بیش از آنچه دلواپسان می‌پندارند بر منطق و خردورزی متکی بود و با این حساب بعید بود، طرحی همچون استیضاح فردی مانند ظریف بتواند این مرد را از وزارتش در آن سال‌ها گوشه‌نشین کند.

تا اکنون که مرداد ماه سال ۱۴۰۳ هست، می‌توان ظریف را اولین وزیر امور خارجه‌ای دانست که این‌چنین در معرض استیضاح قرار می‌گرفت. ظریف مرد اول کابینه حسن روحانی بود و همچنان مرد اول سیاست خارجی و سیاستمدار محبوب ایران است، به این اعتبار که برجام، مهم‌ترین دستاورد دولت تدبیر و امید بوده و هست. برجامی که اگرچه امروز عده‌ای داخل کشور به دلیل بدعهدی آمریکا و خروج ترامپ از آن، از شکستش سخن می‌گویند اما همچنان مهم‌ترین سند رسمی و بین‌المللی در بحث هسته‌ای ایران محسوب می‌شود که علاوه بر حمایت ۵ قدرت جهانی به تأیید سازمان ملل و شورای امنیت این سازمان نیز رسیده و هم‌زمان سازمان انرژی اتمی نیز آن را به رسمیت می‌شناسد.

اشخاص در مشاغل حساس، انتصاب اشخاص ذیل در پست‌های حساس (معاون رئیس‌جمهور) ممنوع است: الف - کسانی که خود، فرزندان یا همسرشان تابعیت مضاعف دارند. چنین انتصابی ملغی و استمرار آن جرم تلقی شده. لطفاً استعفای اجباری خودتان را مثل روغن ریخته نذر امامزاده نکنید».

پیشینه تخریب علیه یک وزیر محبوب

ظریف در این سال‌ها البته به دلیل دلواپسی‌های گاه و بی‌گاه، بارها مورد هجمه تدریجی قرار گرفت و همچنان و حتی پس از وزارتش نیز پاسخگویی سوالات برجامی و غیربرجامی اقلیت نزدیک به جبهه پایداری هست، اما حتی یک بار هم از اعتبارش کم نشد و بارها با وجود تلاش دلواپسان، توانست چهره واقعی‌تری از خود را به جامعه نشان دهد. در طول ۸ سال ریاست او بر وزارت امور خارجه در دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی تدریجاً از او و تیمش به عنوان باند نیویورکی‌ها یاد می‌کردند و تمام تلاش‌شان این بود که ظریف را منزوی و حتی خانه‌نشین کنند. هرچند که با روی کار آمدن دولت سیزدهم، فرصتی یافتند تا تمام کینه‌ها را بر سر او خالی کنند و با ادعای اینکه ما بهتر از تیم ظریف می‌توانیم، در این سه سال، نه ظریف بلکه کل کشور را از عرصه بین‌المللی منزوی کردند.

مجلس نهم و دهم که بسیاری از تدریجی‌ها و اصولگرایان را تشکیل می‌داد، تمام تلاشش را برای استیضاح ظریف به کار برد. تدریجی‌ها و مخالفان با ادعای باخت ایران در برجام در کمیسیون امنیت ملی و صحن مجلس بارها تریبون گرفته و برد- برد بودن



جنگ با غرب

آندره بلوسوف، وزیر دفاع روسیه با اشاره به حملات اخیر ارتش اوکراین به منظره کورسک در خاک روسیه گفت که عملیات نظامی این کشور در اوکراین در واقع رویارویی مسکو و کشورهای غربی است و آنها در تلاش هستند از ایجاد یک جهان عادلانه و چندقطبی جدید جلوگیری کنند. این درحالی است که روسیه اعلام کرد، بخش‌هایی از مناطق مسکونی کورسک را از غیرنظامیان تخلیه کرده است.

لا إله إلا الله

رسول الله محمد

داعش علیه کابل

گروه تروریستی داعش ساعاتی پس از انفجار در محل توقف یک دستگاه تانکر بنزین در منطقه دشت‌برجی کابل با انتشار بیانیه‌ای در کانال تلگرامی خود، مسئولیت این حمله را پذیرفت. پیش از این خالد زدران، سخنگوی فرماندهی پلیس کابل اعلام کرده بود در پی انفجار یک بمب جاساز شده در یک وسیله مسافربری در غرب کابل، یک نفر کشته و ۱۱ تن دیگر زخمی شدند.



تکذیب وااشنگتن

یک مقام ارشد دولت آمریکا اعلام کرد که دولت بایدن به نیکولاس مادورو و متحدانش هیچ‌گونه پیشنهادی در ازای خروج از قدرت در ونزوئلا ن داده اما برای یافتن راهی و حل‌وفصل مسائل از همه احتمالات استقبال می‌کند. پیش‌تر وال‌استریت‌ژورنال با انتشار مطلبی مدعی شد که آمریکا در ازای خروج مادورو از قدرت و واگذاری آن به اپوزیسیون، «پیشنهاد عفو» به وی و یو به تردیکاش داده است.

ادامه یادداشت روز

چگونگی رفع تحریم

واقعیت این است که اگر به تفاهم و توافق در چارچوب برجام نرسیم، آقای دکتر پزشکیان نمی‌تواند توفیقی در قالب شعارهایی که ارائه کرده داشته باشد؛ چراکه کشور ما همین حالا نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی دارد و تا زمانی که روند تحریم‌ها ادامه داشته باشد این مهم محقق نخواهد شد. به عنوان مثال در مورد اروپا باید اطمینان‌سازی متقابل انجام شود و باید متوجه باشیم که نمی‌توانیم صرفاً با یک بلوک از دنیا روابط داشته باشیم. همین حالا روابطی با چین و روسیه داریم اما واقعیت این است که موفقیتی در این راستا نداشته‌ایم و دلیل آن هم تحریم است. زمانی روابط ما با شرق موفق عمل می‌کند و خروجی مثبت دارد که در روابط با غرب به موفقیت برسیم. وقتی ما در تحریم کامل به سر می‌بریم، نمی‌توانیم با کشوری مانند چین به صورت مشخص کار کنیم؛ چراکه ما با وجود اینکه توافق ۲۵ ساله با پکن داریم اما شرکت‌های چینی به دلیل اینکه ممکن است از سوی آمریکا تحریم شوند با ایران کار نمی‌کنند. لذا ابتدا باید با اروپا سپس آمریکا به توافق برسیم و تحریم‌ها برداشته شود و رقابتی میان شرق و غرب به وجود بیاید و در نهایت دو طرف برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، بخش نفت و... کشورمان به میدان بیایند.

اینکه دائم فریاد بزنیم که اولویت ما چین و روسیه هستند، درست نیست. همین حالا رابطه اقتصادی ما با افغانستان چیزی حدود ۲ تا ۵ میلیارد دلار است اما با روسیه اینگونه نیست. اینکه می‌گویند تسادلات تجاری ما با روس ۴ میلیارد دلار ارزیابی می‌شود، درست است اما بخش اعظمی از آن مربوط به مسائل نظامی است. طبق توافق ۲۵ ساله ما با چین، آنها باید ۴۰۰ میلیارد دلار در کشورمان سرمایه‌گذاری می‌کردند اما با گذشت ۴ سال هنوز حتی یک دلار هم در ایران از سوی پکن سرمایه‌گذاری صورت نگرفته است چراکه نقل و انتقال بانکی به دلیل تحریم‌ها نمی‌تواند صورت بگیرد. همین شرکت‌های چینی که نمی‌توانند به سبب تحریم با ایران کار کنند با آمریکا رابطه اقتصادی چند صد میلیاردی دارند و حتی در کشورهای حاشیه خلیج فارس هم شاهد سرمایه‌گذاری کلان آنها هستیم که اگر همین شرکت‌ها با ایران وارد مناسبات اقتصادی شوند، بدون شک از سوی غرب تحریم می‌شوند.

بنابراین اینکه مدام فریاد بزنیم اولویت ما روسیه و چین است نیازمند آن است که تحریم‌ها برداشته شود و در غیر این صورت نمی‌توان به آنچه مورد نظر است دست پیدا کنیم؛ چراکه ۴۵ سال است، راه‌های مختلف را برای گسترش روابط اقتصادی با روسیه امتحان کرده‌ایم اما خروجی آن مثبت نبوده است. باید توجه کنیم که اقتصاد ما و روسیه با یکدیگر هم‌پوشانی ندارد و اساساً تهران و مسکو در حوزه اقتصاد با یکدیگر رقابت دارند. روسیه صادرکننده بزرگ انرژی در دنیاست و ما هم صادرکننده مطرح انرژی در جهان هستیم و به این دلیل به نفع مسکو نیست که ایران انرژی خود را صادر کند و عملاً آنها به ما به چشم رقیب نگاه می‌کنند. لذا اقتصاد ما و روسیه مکمل یکدیگر نیست و باید این موضوع را درک کنیم. زمانی که روسیه ۱۰ میلیون بشکه نفت و با مقادیر زیادی گاز به یک کشور صادر می‌کند، طبیعی است که روابط اقتصادی مسکو با آن کشور بیشتر باشد؛ چراکه پول ما بین این دو کشور و در آن فضا گردش دارد.

کسی مدعی این نیست که نباید با روسیه با چین روابط داشته باشیم اما مساله اینجاست که باید تحریم‌ها برداشته شود تا پول و ارز وارد کشور شود و سرمایه‌گذاری‌ها به صورت صحیح و کامل انجام شود. این موضوعات دقیقاً همان نکاتی است که آقای عراقچی و پزشکیان بدان واقف هستند و می‌دانند که چگونه باید با آنها برخورد شود. در حوزه منطقه هم دقیقاً همین موضوع مطرح است. دولت آقای روحانی و مرحوم رئیسی سیاست تقویت روابط با همسایگان را در دستور کار قرار دادند و اعلام کردند که می‌خواهیم روابط اقتصادی خود را با آنها را تقویت کنیم و حتی مساله استفاده از ارزهای دو طرف را مطرح کردند و حالا سوال این است که آیا این سیاست، خروجی مثبت داشت؟ آیا از زمانی که دولت ترامپ در وااشنگتن روی کار آمد و حتی پس از آن در دوران مرحوم رئیسی توانستیم، مشکلات اقتصادی را با استفاده از همسایگان مانند عراق، پاکستان، کشورهای حاشیه خلیج فارس و... حل‌وفصل کنیم؟ پاسخ منفی است و همان روال قبل ادامه داشت؛ چراکه آنها هم در شرایط کنونی می‌ترسند که با ایران کار اقتصادی و تبادل تجاری داشته باشند. درست است که ما به عراق برق صادر می‌کنیم اما بغداد به دلیل فشارهای آمریکا اعلام می‌کند که ارز حاصل از صادرات برق به تهران پرداخته نمی‌شود و نزد آنها باقی می‌ماند.

به همین جهت حتی در مورد روابط با کشورهای منطقه هم نیازمند رفع تحریم‌ها هستیم. زمانی که تحریم برداشته شود و رقابت اقتصادی و سرمایه‌گذاری به وجود بیاید تمام دنیا اعم از منطقه و فرامنطقه به تکاپو می‌افتند و وارد روابط با ایران می‌شوند. زمانی که ما نفت را با ۳۰ درصد تخفیف می‌فروشیم، ارز حاصل از صادرات به صورت عادی وارد بانک مرکزی نمی‌شود بلکه به صورت کالا و با طی کردن فرآیندهای زیادی وارد کشور می‌شود. هیچ کدام از این مسائل حتی سرمایه‌گذاری چینی‌ها در کشورمان انجام خواهد شد جز با رفع تحریم که البته باید به سسای کشورهای شرقی مانند ژاپن، کره‌جنوبی، چین و... هم فکر شود.

مذاکره با آرایش جنگی

همزمان با سفر مقامات سیاسی - امنیتی آمریکا به منطقه برای شروع مذاکرات آتش‌بس غزه پنتاگون از اعزام زیردریایی هسته‌ای و ناو هواپیمابر به خاورمیانه خبر داد



اواخر هفته گذشته بیانیه‌ای سه‌جانبه از سوی آمریکا، قطر و مصر منتشر شد که در آن بر شروع مذاکرات نهایی برای اجرای آتش‌بس در غزه و تبادل اسراء اسرائیل تاکید شده بود و به سرعت مورد توجه رسانه‌ها، تحلیلگران و حتی مقامات کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفت. در این راستا دفتر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل هم اعلام کرد که هیاتی را برای شرکت در این مذاکرات اعزام خواهد کرد. از آن هفته تا به امروز بسیاری از تئوری‌ها و تحلیل‌ها بر این اساس بوده که مذاکراتی که قرار است پنجشنبه هفته جاری (۱۵ آگوست) برگزار شود به دلیل آنکه بر پایه طرح پیشنهادی جو بایدن، رئیس جمهوری ایالات‌متحده استوار بوده و از سوی وااشنگتن طرح‌ریزی شده به ثمر خواهد نشست و خروجی آن مثبت خواهد بود و در این میان شاهد یک‌سری از تحرکات قبل و حین مذاکرات خواهیم بود. براساس اعلام رسانه‌های اسرائیل و آمریکا، ایالات‌متحده در راستای آمادگی برای آغاز دور گسترده‌ای از مذاکرات در منطقه با هدایت برت مک‌گورک، فرستاده جو بایدن در امور خاورمیانه، ویلیام برنز، رئیس آژانس اطلاعات مرکزی (سیا) و آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا تلاش می‌کند و به دنبال آن است که بتواند بحران فعلی در خاورمیانه را با به سرانجام رساندن توافق آتش‌بس میان حماس و اسرائیل مدیریت کند. گفته شده که ویلیام برنز، رئیس سیا هدایت تیم آمریکایی را در مذاکرات روز پنجشنبه بر عهده خواهد داشت و آنتونی بلینکن، وزیر خارجه ایالات‌متحده هم در گفت‌وگویی که با یس‌او گالات، وزیر جنگ اسرائیل داشته، اعلام کرد که قصد دارد طی روزهای آتی در چارچوب تلاش‌ها برای رسیدن به یک توافق و کنترل تنش وارد منطقه شود.

اینکه مذاکره مذکور قرار است در قطر انجام شود یا مصر هنوز مشخص نیست اما نکته مهم آرایش تیم آمریکایی‌ها در این مذاکرات است. اینکه اعلام می‌شود، رئیس سیا قرار است هدایت تیم مذکور را به عهده بگیرد به خوبی نشان می‌دهد که منظومه اطلاعاتی ایالات‌متحده که ذیل سازمان سیا درحال فعالیت هستند و حوزه‌های مختلفی را پوشش می‌دهند عملاً تمام جمع‌بندی‌های خود را قرار است تا همان روز پنجشنبه که مذاکرات برگزار می‌شود به سمع‌ونظر کاخ سفید و ویلیام برنز برسانند تا بتوانند از آخرین داده‌های سیاسی به خصوص نظامی و امنیتی در این مذاکرات بهره ببرند و بدانند که چگونه باید به این مذاکرات سروشکل بدهند اما مهم‌تر از آن این است که صرفاً رئیس سیا قرار نیست درخصوص این مذاکرات تلاش کند بلکه برت مک‌گورک، فرستاده رئیس‌جمهور آمریکا در امور خاورمیانه یکی دیگر از کسانی است که قرار است به دلیل سوابقش یک محور مهم امنیتی را با مسئولان مصر در میان بگذارد و آن را حل‌وفصل کند.

براساس اعلام منابع آمریکایی و عربی، مک‌گورک پیش از مذاکرات پنجشنبه، نشست‌هایی با مقامات مصر و اسرائیل برای حل‌وفصل نکات حل نشده در مورد طرح امنیتی قاهره و تل‌آویو مربوط به مرزهای میان مصر و نوار غزه برگزار می‌کند. گفته می‌شود، هدف از مذاکرات مک‌گورک در قاهره تسریع در روند آغاز تمهیدات امنیتی و پایان دادن به برخی نکات حل



نشده است که در رأس آنها از سرگیری فعالیت گذرگاه مرزی رفح و توافق بر سر جدول زمانی برای باقی ماندن نظامیان ارتش اسرائیل در محور فیلادلفیا در مجاورت مرزهای با مصر است و ابقای این نظامیان در آنجا به مثابه نقض توافق قبلی قاهره و تل‌آویو در سال ۲۰۰۵ خواهد بود. باید توجه داشت که محور فیلادلفیا که در اصل محور صلاح‌الدین به حساب می‌آید یک نوار مرزی به طول ۱۴۰۵ کیلومتر از دریای مدیترانه تا گذرگاه گرم ابوسالم است که پهنای آن تنها چند صد متر بوده و براساس توافق کمپ دیوید که در سال ۱۹۷۹ میان قاهره و تل‌آویو به امضا رسید، منطقه حامل محسوب می‌شود. به همین دلیل است که توافق بر سر این محور برای اسرائیل و آمریکا بسیار مهم است.

ورود به خاورمیانه

آنچه در این میان و در آسانه مذاکرات آتش‌بس غزه باید مورد توجه قرار بگیرد، تحرکات نظامی آمریکا در منطقه است. براساس اعلام رویترز، ژنرال لوی آستین، وزیر دفاع آمریکا شامگاه یکشنبه دستور اعزام زیردریایی هسته‌ای «یواس اس جورجیا» که مجهز به موشک‌های هدایت‌شونده است به همراه ناو هواپیمابر «یواس اس آبراهام لینکلن» به خاورمیانه را صادر کرده است. در بیانیه پنتاگون آمده است که «ژنرال آستین بر تعهد ایالات‌متحده به برداشتن هر گام ممکن برای دفاع از اسرائیل تاکید و به تقویت موقعیت و توانایی‌های نظامی آمریکا در سراسر خاورمیانه با توجه به تشدید تنش‌های منطقه‌ای اشاره کرد».

این اقدام ایالات‌متحده از چند جهت قابل تحلیل است. نخست آنکه بسیاری از منابع خبری در آمریکا و اسرائیل به انضمام رسانه‌های عربی منطقه این اقدام پنتاگون را نوعی ایجاد دیوار دفاعی برای حفاظت از اسرائیل درخصوص هرگونه پاسخ ایران و محور مقاومت قلمداد کرده‌اند. به موازات این روند منابع خبری اسرائیل هم درحال انتشار اخباری هستند که گویای آماده شدن آنها برای هرگونه پاسخ ایران و بازوهای منطقه‌ای آن است. به عنوان مثال، رسانه‌های اسرائیل از آمادگی‌سازی یک بیمارستان زیرزمینی کاملاً حفاظت شده در حیفا برای پذیرش مجروحان خبر دادند که

برای اولین بار چنین اتفاقی رخ می‌دهد. از سوی دیگر، گفته شده که مرخصی تمام خلبانان و کادر نیروی هوایی اسرائیل هم لغو شده است. از جتهی دیگر رسانه‌های اسرائیل هم اعلام کرده‌اند که نتانیاهو به وزرای کابینه تحت امر خود دستور داده که طی روزهای پیش‌رو درباره مسائل امنیتی و سیاسی با رسانه‌ها گفت‌وگو نکنند که به باور مفسران، این اقدام نشان می‌دهد که اوضاع عموماً در داخل کابینه مناسب نبوده و حتی می‌تواند گویای آن باشد که نتانیاهو خواهان تشدید تنش سیاسی تا قبل از مذاکرات پنجشنبه نیست.

نکته دوم در مورد وضعیت فعلی این است که احتمالاً آمریکایی‌ها بر این باور هستند که مذاکرات آتش‌بس روز پنجشنبه به خروجی مطلوب نمی‌رسد و حتی ممکن است تا آن روز ارتش اسرائیل دست به اقدامات نظامی دیگر بزند. بر همین اساس اقدام به صفت‌بندی نظامی در خاورمیانه کرده‌اند. نکته سوم هم این است که اساساً مجموعه غرب، به‌خصوص ایالات‌متحده به عنوان اصلی‌ترین حامی اسرائیل، احساس می‌کند که تا قبل از مذاکرات پنجشنبه ممکن است که ایران و جریان‌های مقاومت در منطقه پاسخ‌خیز ترور اسماعیل هنیه، رئیس پیشین دفتر سیاسی حماس را بدهند و به همین دلیل ناو و زیردریایی خود را وارد منطقه کرده‌اند. نکته چهارم اقدام حزب‌الله لبنان است. برآورد ایالات‌متحده و اسرائیل بر این است که حزب‌الله هم در این راستا به صورت علنی و انفرادی پاسخ خود را به اسرائیل در مرزهای شمالی خواهد داد و این به معنای درگیر شدن تل‌آویو در چند محور و پایان آمدن توان رهگیری و پاسخ‌دهی آنهاست.

اما نکته آخر هشدار ترونیکی اروپا به تهران است. سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان با صدور بیانیه‌ای از مذاکرات آتش‌بس غزه حمایت کردند و از سوی دیگر از تهران خواستند تا به اسرائیل پاسخ ندهد. این در حالی است که در داخل اسرائیل هم نتانیاهو کاملاً تحت فشار قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که عصر دوشنبه یانیر لاپید، رهبر اپوزیسیون اسرائیل صراحتاً اعلام کرد که «اکنون زمان مناسب برای معامله تبادل اسرا با حماس است». این در حالی است که گفته می‌شود، خانواده اسرای اسرائیلی همچنان خواهان امضای توافق تبادل اسرا هستند.

دریچه: تحلیل عادات

اقتصاد تعمیر

چرا تعمیر بهتر از مصرف است؟



حسن محرابی
پژوهش‌گر

اقتصاد مصرف‌کننده یک مفهوم اقتصادی است که در زمان حاضر اکثر جوامع با آن زندگی می‌کنند. این نوع اقتصاد انسان‌ها را به افزایش مصرف تشویق می‌کند. مردم در چنین اقتصادی با محصولات به گونه‌ای ارتباط برقرار می‌کنند که متأسفانه به سیاره زمین آسیب می‌زند زیرا در این اقتصاد مردم را وادار به خرید مداوم می‌کنند و در نتیجه به تولید زباله‌های دورریختنی که به کره زمین آسیب می‌زند، کمک می‌کنند.

اقتصاد مصرف چنان ترویج و تقویت شده که در میان عموم مردم جامعه ما مطرح می‌شود که «مردم از پس مشکل اقتصادی دارند به تعمیر لوازم خود روی آورده‌اند!» و از این وضعیت به عنوان یک موقعیت بد یاد می‌کنند. در حالی که برعکس؛ امروزه دانش و علم تأکید بر تعمیر به جای تشویق به مصرف دارد و از اقتصاد جدیدی با نام اقتصاد تعمیر سخن گفته می‌شود.

در برخی از کشورها مردم اغلب اقلام شکسته را به جای تلاش برای تعمیر آنها؛ دور می‌اندازند. شرکت‌ها نیز به صورت مکرر تبلیغ می‌کنند که مردم کالاها را قبلی را دور بیندازند تا جدیدترین فناوری را بخرند! این روش‌ها باعث می‌شود، اقلام قابل تعمیر قدیمی ما بسیار غیرجذابتر و غیرقابل استفاده به نظر برسند.

اما اقتصاد تعمیر چیست؟ این یک مفهوم اقتصادی جدید است که در آن ارزش‌های پایداری، دوام و سلامت مباد در کنار هم قرار می‌گیرند و تلاش برای بهره‌گیری از اقتصاد دایره‌ای را سازمان می‌دهند. در اقتصاد تعمیر، کالاهای مورد استفاده صرفاً قابل مصرف در نظر گرفته نمی‌شوند بلکه آنها ویژگی‌هایی دارند که بر آن اساس ارزش تعمیر را دارند. این امر پایداری شی را افزایش می‌دهد زیرا مردم تشویق می‌شوند که به جای خرید اقلام جدید، اقلام خود را تعمیر و استفاده مجدد کنند.

حرکت به سمت اقتصاد تعمیر از سه سال گذشته سرعت بیشتری گرفته و امروزه در بیشتر کشورهای دنیا شاهد رونق مجدد در اقتصاد تعمیرات هستیم. اروپا، ایالات متحده و استرالیا در حال حاضر قوانینی را اعمال می‌کنند که تولیدکنندگان را ملزم می‌کند تا لوازم خانگی را قابل تعمیر و بادوام تولید کنند. بر این اساس، طول عمر محصول را می‌توان به طور موثر با تعمیر و استفاده مجدد افزایش داد.

نکته مهم دیگر اقتصاد تعمیر آن است که امروزه دیگر تولید کردن یک ارزش نیست زیرا همین تولیدات هستند که به محیط زیست و کره زمین آسیب جدی وارد کرده‌اند. برای مثال اشاره می‌شود، سهم صنعت تولید لباس از آلودگی هوای کره زمین تقریباً ۱۰ درصد از کل انتشار کربن جهانی است که هر سال تولید می‌شود. این درصد حتی از مجموع انتشار گازهای گلخانه‌ای صنعت کشتی‌رانی دریایی و پروازهای بین‌المللی نیز بیشتر است. علاوه بر موضوع کربن حاصل شده از بخش تولید لباس، که شامل کشت پنبه است، مقدار زیادی نیز آب مصرف می‌شود. سالانه تقریباً ۹۳ میلیارد متر مکعب آب توسط این صنعت استفاده می‌شود که ۴ درصد از کل مصرف آب شیرین جهان را تشکیل می‌دهد. برای درک بیشتر این موضوع باید اشاره کرد که تولید یک شلوار جین به تهایی به ۲۷۸۱ لیتر آب نیاز دارد. متأسفانه پیش‌بینی می‌شود، وضعیت بدتر شود و انتظار می‌رود انتشار گازهای گلخانه‌ای مضر توسط تولید لباس تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۵۰ درصد افزایش یابد. وضعیت تولید ابزار الکترونیک نیز چنین است و ۴ درصد از تولید گازهای گلخانه‌ای مضر را به خود اختصاص داده علاوه بر آن آلودگی اسقاطی‌های این‌گونه ابزارها نیز بسیار بالاست.

اینک، اقتصاد تعمیر با تشکیل سازمان‌های مردمی و ابتکاراتی که به دنبال ترویج تعمیر، استفاده مجدد و سایر اشکال خلاقانه پیشگیری از زباله به صورت جدی در دنیا تعقیب می‌شود. زیرا این طرز فکر به شکل‌گیری «جوامع تعمیر و استفاده مجدد» کمک کرده و حس مراقبت، غرور، تعلق و مشارکت مدنی را ایجاد می‌کند که در اقتصاد مصرف‌کننده کتونی کاملاً از بین رفته است.

یک متن خادق

محمد شمس ننگرودی: به نظرم نمایش «نبرد رستم و سهراب» از هر جهت جالب است. به عقیده من که کارم ادبیات است، متن این نمایش، خلاقانه است. یعنی متنی نیست که نعل به نعل از روی داستان فردوسی برداشته شده باشد. دخالتی که نویسنده در داستان داشته به همراه حضور راوی در نمایش، کار را جذاب کرده و نمایش توانسته موضوع تراژیک بودن داستان فردوسی را نشان دهد.

ضرورت نقد مدیریت فرهنگی

وجیهه سامانی: فرهنگ، قلب تپنده هر کشور و شناسنامه و هویت هر ملتی است که هر چقدر برایش جان‌فشانی شود و در راهش کار و تلاش مستمر شبانه‌روزی صورت بگیرد، باز هم کم است. هر سیستمی برای رشد و اصلاح و پیشرفت، نیازمند نگرش‌های دل‌سوزانه و نظرات کارشناسی است تا در ادامه مسیر، نقاط قوت خود را تقویت و نقاط ضعف و مشکلات را مرتفع کند.

روحیه دایره‌المعارفی

حسین معصومی همدانی: غلامحسین مصاحب، بنیان‌گذار پژوهش به صورت جدی در تاریخ علم در ایران است. او یک روحیه دایره‌المعارفی داشت و وقتی خیلی جوان بود، «جبر و مقابله» خیام را چاپ کرد. خیام را معدودی به عنوان ریاضی‌دان می‌شناختند. کتاب «جبر و مقابله» خیام در ایران به کلی مجهول نبود اما کشف این کتاب به واسطه قرن نوزدهم برمی‌گردد و مصاحب بر اساس این تصحیح ترجمه‌اش کرد.

رمان ویکتوریایی

دیوید کاپرفیلد الهام گرفته از زندگی خود چارلز دیکنز است



چارلز دیکنز، برجسته‌ترین رمان‌نویس انگلیسی دوره ویکتوریایی را با آثار شاخص و متنوعی چون «الیور توئیست»، «آرزوهای بزرگ» و «دیوید کاپرفیلد» می‌شناسند. اغلب اتفاقات و رخدادها کتاب‌های دیکنز برگرفته از زندگی واقعی خودش است. رمان «دیوید کاپرفیلد» چارلز دیکنز به‌تازگی با ترجمه احد علیقلیان توسط نشر مرکز منتشر شده است. نشر مرکز «الیور توئیست» دیگر رمان شاخص دیکنز را هم سال ۱۴۰۰ با ترجمه علیقلیان منتشر کرده بود. پیش از این هم از «دیوید کاپرفیلد» یا نسخه‌های تلخیصی آن ترجمه‌های دیگری صورت گرفته اما ترجمه احد علیقلیان نسبت به دیگر ترجمه‌ها بهتر و کامل‌تر است.

دیوید کاپرفیلد، ماجراجویی‌های پسری است که شش ماه بعد از مرگ پدرش به دنیا می‌آید. به نوعی نحسی در زندگی این کودک پیش از تولدش شروع شده است. در ابتدای داستان، دیوید با مادری مهربان

و شیرین و نازنین همراه است تا این‌که مشکلات زندگی او را وادار می‌کند با مردی به نام ادوارد فرزندش ازدواج کند. پس از ازدواج مادرش با ادوارد، دیوید گرفتار بدشانسی‌های متعدد می‌شود. ادوارد می‌خواهد او را از سرش باز کند و پسرک را نزد خانواده خدمت‌کار مادرش بگوتی می‌فرستد. ماجراهای او در این خانه جدید و درگیری‌هایش با پدرخوانده‌اش، محور وقایع این کتاب است. دیوید شخصیتی است که کمبودهای زیادی دارد و در زندگی چیز زیادی نمی‌خواهد. او دوست دارد به عنوان یک شخص مورد تأیید قرار گیرد و یک خانواده گرم داشته باشد. این نیازهای اساسی هر شخصی است. او در دوران حساس کودکی و تولد هیچ کدام از این دو مورد را نداشته است. به همین دلیل باید از آن‌چه که طبیعت به او داده است، یعنی استعداد و اراده قوی خود برای رسیدن به این اهداف استفاده کند. پس از سپری کردن دورانی سخت و پرمشکل در کودکی، دیوید استعداد نویسنده‌اش را کشف می‌کند و به رمان‌نویسی موفق بدل می‌شود. از آن‌جا که داستان به صورت گذشته‌نگرانه روایت می‌شود، می‌دانیم او در زندگی به موفقیت رسیده است. آن‌چه با خواندن رمان می‌خواهیم به آن برسیم این است که دیوید چگونه توانسته به اهداف خود برسد. کاراکترهای به یادماندنی و قابل‌تذکره‌ی او چون پدرخوانده مستبد و عمه ترسناک شخصیت اصلی داستان، فردی همیشه فروتن اما خائن به اسم یورایا هیپ و البته یکی از بهترین شخصیت‌های کمدی خلق شده در ادبیات یعنی میکابر همیشه بی‌پول و مسکین در این اثر ماندگار به چشم می‌خورند. آقای میکابر مردی ساده‌لوح و در عین حال خوش قلب است که چندان اعتقادی به کار و تلاش ندارد؛ در عوض منتظر نشسته تا بلکه در گردش روزگار اوضاع خودبه‌خود درست شود! چارلز دیکنز با استفاده از تجارب واقعی خود در زندگی، یکی از درخشان‌ترین و ماندگارترین آثار محبوب در دنیای ادبی را خلق کرد؛ اثری که تازدی و کمدی را با تعادلی هنرمندانه در هم ترکیب کرده است. بسیاری از عناصر به کار رفته در رمان «دیوید کاپرفیلد» از زندگی خود نویسنده الهام گرفته شده‌اند و این اثر به نوعی خودزندگی‌نامه چارلز دیکنز در قالب داستان به شمار می‌آید. گفتنی است «دیوید کاپرفیلد» رمان مورد علاقه چارلز دیکنز در میان تمامی آثارش بوده و او در مقدمه یکی از چاپ‌های بی‌شمار کتاب گفته است: «مثل همه پدرها و مادرها، من هم در ته قلبم، فرزند عزیزدردناهی دارم که اسمش دیوید کاپرفیلد است.» دیکنز «دیوید کاپرفیلد» را در ۳۷ سالگی و طی ۱۹ ماه نوشت و سال ۱۸۵۰ منتشر کرد. این رمان اوج هنر و پختگی دیکنز در نویسندگی را نشان می‌دهد. جزو لیست برترین رمان‌های انگلیسی به انتخاب منتقدان است و از آن اقتباس‌های مختلف سینمایی بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۲۰۰۰ شده است.

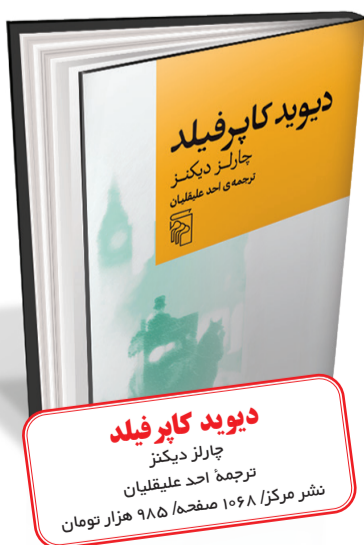
تمرین ریالیسم در روزنامه
چارلز جان هوفام دیکنز ۷ فوریه ۱۸۱۲ در لندپورت پورتی متولد شد. او دومین پسر جان دیکنز، کارمند اداره کارپروازی بحریه بود. پدرش اهل لایبالی‌گری بود و کار را به جایی رساند که او را به زندان مارشالسی انداختند. به همین دلیل دیکنز ۱۲ ساله را برای تأمین معاش خانه به کارخانه واکس‌سازی وارن فرستادند و تا آزادی پدرش در آن‌جا به کار مشغول شد. او پس از آزادی پدر مجدداً توانست به مدرسه بازگردد و تحصیل را ادامه دهد. پس از پایان دوران مدرسه، چارلز دیکنز که همیشه دوست داشت هنر پیشه شود به طور اتفاقی سر از جهان روزنامه‌نگاری درآورد و در این شغل پیشرفت خوبی کرد و زمانی که تنها ۲۰ سال داشت او را به عنوان روزنامه‌نگاری موفق می‌شناختند. ورود چارلز دیکنز به شغل روزنامه‌نگاری سبب آشنایی‌اش با چهره‌های مختلف و ایجاد ارتباط با انسان‌ها شد. دیکنز نخستین بار در سال ۱۸۳۳ اقدام به انتشار متن اولیه یکی از نوشته‌های خود با عنوان «ناهار در یوپلار» کرد و پس از استقبال از آن، نوشته‌های دیگری را نیز به انتشار رساند. هم‌چنین به دلیل شغل روزنامه‌نگاری در روزنامه‌های به عنوان سردبیر فعالیت می‌کرد و جالب این‌که کتاب «الیور توئیست» را به صورت بخش‌بخش در همین روزنامه منتشر کرد. با گذشت زمان، به شهرت او به عنوان نویسنده افزوده شد و توانست با به عرصه نویسندگی بگذارد و در آن به فعالیت بپردازد. روزنامه‌نگاری تمرین خوبی برای تقویت قلم دیکنز بود. او از طریق روزنامه‌نگاری آموخت، پدیده‌ها را همان‌گونه که هستند، صادقانه و با جزئیات ببیند و بتواند به سلسله اتفاقاتی

پشت هر رخداد توجه کند. تحلیل‌های دقیق و عمیقی که چارلز دیکنز در نوشته‌هایش از اشیا، افراد و محیط‌ها ارائه می‌کند، گواه همین موضوع است. در این بین شاید بتوان توجه دیکنز به محیط و شهر را بیشتر از سایر عناصر در نظر گرفت. داستان‌های او صرفاً مجموعه‌ای از شخصیت‌ها و حوادث نیستند بلکه هر شخصیت در بافت محیطی که در آن رشد می‌کند، شناخته می‌شود و ویژگی‌های منحصر به همان بافت را از خود بروز می‌دهد. نکته دیگری که می‌توان در نوشته‌های دیکنز دید، توجه او به مسأله فقر و تأثیر آن بر انسانیت آدم‌هاست. شخصیت‌های داستان‌های او درست مانند دوران کودکی خودش از دل رنج و تبعیض اجتماعی سر برمی‌آورند و رنجی مشابه آن‌چه او در کودکی تحمل کرد به دوش می‌کشند. آثار چارلز دیکنز را می‌توان به نوعی، آینه زندگی پرفراز و نشیب خود او قلمداد کرد. چارلز دیکنز در سرتاسر عمرش از شهرتش به عنوان

یک نویسنده برای انجام فعالیت‌های اجتماعی و کنش‌گری استفاده کرد. او فعالیت‌های اجتماعی بسیاری داشت، از مبارزه با قوانینی مانند اعدام در ملا عام و اعتراض به کار کودکان در معادن تا تأسیس خانه‌هایی برای زنان بی‌سرپرست اما هر چقدر در زندگی کاری و حرفه‌ای خود پیشرفت می‌کرد، در زندگی خانوادگی‌اش دچار مشکل شده بود. رابطه دیکنز و همسرش در ۴۵ سالگی دچار آشفتنگی شد. دیکنز برای نوشتن به شرایطی خاص نیاز داشت. میسن کاری در کتاب «آداب روزانه» درباره دیکنز و ساعات کاری و نظم او در حین کار نوشته است، او از ساعت ۹ صبح تا ۲ بعدازظهر در اتاق کارش که در سسکوت کامل غرق بود، حاضر می‌شد و برای ناهار خوردن با خانواده وقفه‌ای در کارش ایجاد می‌کرد. روزهای معمولی تا ۲۰۰۰ کلمه می‌نوشت و روزهایی که پرانرژی‌تر بود، بسیار بیشتر اما حتی روزهایی که چیزی برای نوشتن به ذهنش نمی‌آمد، باز هم به ساعات کاری‌اش پایبند بود. دیکنز بی‌وقفه کار می‌کرد، می‌خواند و می‌نوشت. پزشکان از او خواسته بودند تا ساعات کاری‌اش را کمتر کند اما او هم‌چنان و بدون توجه به سخن پزشکان می‌خواند و می‌نوشت. در نهایت فشار کاری بسیار زیاد او سبب شد تا در ۹ ژوئن ۱۸۷۰ در ۵۸ سالگی سکته قلبی کند.

اثرات دیکنز و دیوید کاپرفیلد

هیچ نویسنده‌ای بهتر از چارلز دیکنز، دوران کودکی قهرمانش را توصیف نکرده است. دیکنز پیش از هر نویسنده انگلیسی دیگری، به جز شکسپیر، تخیل خواننده را مسحور شخصیت‌های به یادماندنی خود کرده است. او تأثیرگذارترین رمان‌نویس در زبان انگلیسی بوده است. لنو تولستوی و یژکی‌های انسانی نوشته‌های دیکنز را می‌ستود و از همه نویسندگان انگلیسی برتر می‌شمرد و «دیوید کاپرفیلد» را بزرگ‌ترین دستاورد ادبی او می‌داند، به ویژه فصل «توفان» آن را معیاری به شمار می‌آورد که رمان‌های بزرگ جهان را با آن می‌توان سنجید. کافکا کتاب «آمریکا» را در تقلید محض از «دیوید کاپرفیلد» نوشت و دی. ای. ج. لارنس دوست داشت با دیوید کاپرفیلد هم‌ذات‌پنداری کند. الگرتون چارلز سوننبرن «دیوید کاپرفیلد» را شاهکاری بی‌همتا خواند. داستایفسکی هم از خوانندگان پروپاقرص رمان‌های دیکنز بود و پیش‌هنری او را می‌ستود و در شخصیت‌پردازی و خلق موقعیت‌های داستانی از دیکنز تأثیر پذیرفته بود. ویلیام فاکنر حرفه و هنر داستان‌نویسی خود را وامدار نویسندگان بزرگی چون دیکنز می‌داند. گراهام گرین از نثر‌آزمیز دیکنز سخن می‌گفت. گویی روحی در خلوت با خویشتن در حال گفت‌وگوست و جورج اول می‌گفت، دیکنز از نویسندگانی است که آثارش ارزش دزدیدن را دارد.



دیوید کاپرفیلد

چارلز دیکنز

ترجمه احد علیقلیان

نشر مرکز/ ۱۰۶۸ صفحه/ ۹۸۵ هزار تومان

گزارش سینمای ایران

سندسازی برای سینما

وزارت ارشاد سند ملی سینما را
به رغم مخالفت خانه سینما تصویب کرد



آخرین جلسه شورای هنر به ریاست محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور اعضا برگزار شد. در این جلسه که یکصد و هفتمین جلسه شورای هنر به حساب می‌آید، سند سینما به تصویب اعضا رسید. همچنین علاوه بر تصویب این سند، سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر بازار هنرهای تجسمی نیز توسط اعضا بررسی و به تصویب رسید.

در حالی این سند به تصویب رسید که خانه سینما پیش از این بارها به کلیات و پیش‌نویس این سند اعتراض کرده بود و از مدیرانی که در تصویب آن دخالت دارند، خواسته بود، نظرات این تشکل صنفی را هم لحاظ در تصویب این سند لحاظ کنند که با این اقدام وزارت ارشاد مشخص شد که این سند بدون همفکری و مشاوره با اهالی سینما مورد تصویب قرار گرفته است.

هیات‌مدیره خانه سینما هم پیش از مخالفت صریح خود را حتی با کلیات این سند هم اعلام کرده بود و در بیانیه‌ای با ذکر دلایل خود آورده بود: «هیات‌رئیس خانه سینما به نمایندگی از جامعه اصناف سینمای ایران پس از مطالعه و بررسی متن پیشنهادی با سرنام «سند ملی سینما» اعلام می‌دارد که با کلیات این پیش‌نویس کاملاً مخالف است و از انگیزه‌های تنظیم‌کنندگان این سند ابراز شگفتی کرده است.»

هشتم مردادماه بود که در جلسه شورای هنر با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره سند ملی خانه سینما صحبت شد و وزیر ارشاد هم از خانه سینما خواست که در ویرایش این سند نقش آفرینی بیشتری کند تا در نهایت سند آماده تصویب شود. خانه سینما نیز یک هفته بعد با انتشار نظر مکتوب هیات‌رئیس، مخالفت صریحی را نسبت به پیش‌نویس سند ملی سینما اعلام کرد.

هیات‌مدیره خانه سینما بر این اعتقاد بود که تنظیم‌کنندگان کوشیده‌اند تا به هر چه دولتی‌تر کردن سینما دست یازند و دستورالعملی برای نهادهای دولتی تهیه کرده‌اند و هیچ حقوقی را برای هنرمندان و بخش خصوصی قائل نشده‌اند. این تشکل صنفی اعلام کرد: به نظر می‌رسد در متن پیشنهادی، تنظیم‌کنندگان به عمد کوشیده‌اند تا از جایگاه قانونی جامعه اصناف سینمای ایران (خانه سینما) به منظور گریز از هرگونه مشارکت و پاسخگویی، چشم‌پوشی کنند و عملاً برخلاف اهداف پیش‌بینی شده فرهنگی و هنری در برنامه افق ۲۰ ساله کشور و قانون اساسی است، زیرا برای کاهش و حذف تدریجی تصدی‌گری دولت و تقویت بخش خصوصی که باید به رشد و اعتلای بخش خصوصی بینجامد تلاش می‌نماید و بالعکس سند پیشنهادی به حذف بخش خصوصی و تشکل‌های مردم‌نهاد نظر دارد.

پیش از این محمدمهدی عسگرپور، رئیس هیات‌مدیره خانه سینما - در توییتی نوشت: اصرار مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد برای تصویب سند ملی با اشکالات بسیار مهم و ضربه‌زننده به سینما در روزهای پایانی کارشان نه تنها خدمت به سینما نیست، بلکه بسیار ناشایست است. حالا با اعلام خبر تصویب این سند ملی روابط عمومی خانه سینما بیانیه‌ای را منتشر کرده که در متن آن آمده است: «همان‌طور که قبلاً اعلام شده است، سند پیشنهادی موسوم به «سند سینما» که از جانب شورای هنر و سازمان سینمایی برای نظرخواهی به خانه سینما ارسال شده بود، مورد تأیید جامعه اصناف سینمای ایران قرار نگرفت. دلایل عدم پذیرش آن نیز پیش‌تر و به صورت رسمی به شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام شده است. در صورت لزوم نگارش سند ملی سینما، نمایندگان جامعه اصناف سینمای ایران به درخواست مرجع ذی‌ربط از طرف خانه سینما رسماً به شورای عالی هنر معرفی خواهند شد. ضمناً در شرایط فعلی و با توجه به فرصت کم باقی‌مانده برای تغییرات دولت و نیاز به طرح مسائل کارشناسی و تخصصی امکان هرگونه اصلاح یا تأیید کلیات سند در این باز زمانی وجود ندارد.»

دکترای افتخاری برای کریس



جیمی لی کریس در مراسمی ویژه دکترای افتخاری هنرهای زیبا را از موسسه فیلم آمریکا دریافت کرد. کریس در آغاز سخنرانی گفت: من برای شما فارغ‌التحصیلان، نماینده آنهایی هستم که به موفقیت رسیده‌اند. من یک هنرمند هستم، این را امروز می‌توانم بگویم، اما وقتی ۱۹ ساله بودم نمی‌دانستم قرار است چه کار کنم. حالا می‌توانم بگویم که اتفاقی بازیگر شدم. پدر و مادرم هم به طور اتفاقی بازیگر شدند.

تام کروز مشعل را تحویل گرفت



تام کروز در مراسم اختتامیه المپیک پاریس از سقف استادیوم با طناب فرود آمد و با عبور از صف بازیگران پرچم المپیک را گرفت و بسا آن روی صحنه رفت و پس از آنکه کارن باس، شهردار لس‌آنجلس، پرچم المپیک را از آن هیدالگو شهردار پاریس دریافت کرد، او پرچم را گرفت و سوار بر موتورسیکلت صحنه استادیوم را ترک کرد تا تحویل نمادین پرچم به لس‌آنجلس را انجام دهد.

درگذشت بازیگر صورت زخمی



«آنجل سالازار»، ستاره فیلم «صورت زخمی» که در نقش دستیار مورد اعتماد آل پاچینو در این فیلم کلاسیک بازی می‌کرد، در سن ۶۸ سالگی درگذشت. این هنرپیشه کوبایی-آمریکایی در سال ۱۹۸۳ در نقش جی‌جی در فیلم «صورت زخمی»، اثر بریان دی پالما بازی کرد و در سال ۱۹۸۸ در کنار تام هنکس در فیلم «پانچ لاین» و سپس در سال ۱۹۹۳ در نقش والبرتو در فیلم «راه کارلیتو» مقابل دورین رفت.

در تلاطم یک اتفاق

نگاهی به نمایش خون مردگی

نیلوفرثانی
منتقد

«خون‌مردگی»، نمایش به کارگردانی مهدی جلیلی و گروه تئاتر چهارم، از شهرستان سسوزوار به تهران آمده‌اند و در چند جشنواره پیشین از جمله جشنواره استانی و هم‌آغاز، جوایزی را نیز کسب کرده‌اند. این نمایش این روزها در سالن قشقایی مجموعه تئاترشهر به اجرای عموم رسیده‌اند و خود را در این تجربه محک می‌زنند.

در خلاصه نمایش خون‌مردگی آمده که بیماری جوانی به نام تریا ابراهیمی که ۵ سالگی است در کما به سر می‌برد و در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان بستری است، در طی آزمایش‌هایی که کادر درمان از او به عمل آورده، مشخص می‌شود که بارداد است. بارداری غیرمعتارف او و پیگیری‌های مدام همسرش باعث می‌شود که کادر مدیریت و درمانی این بیمار، به دنبال راه برون‌رفتی از این وضعیت بحرانی باشند. موقعیتی که از یک سو به اعتبار بیمارستان و پرسنل آن لطمه می‌زند و از سوی دیگر، شرایط بیمار را دچار تغییرات اساسی می‌کند.

«خون‌مردگی» که به نویسندگی محسن سنگ‌سفیدی است بر این وضعیت بی‌ریزی شده که واکنش افراد دخیل در این ماجرا را به دید تماشاگر برساند. از رئیس بیمارستان و پزشک درمانگر، دو پرستار مراقب بیمار و خدمه و پزشک آزمایشگاه گرفته تا خواهر و همسر بیمار.

نمایش تأکید می‌کند که چگونگی و عامل این اتفاق مهم نیست، بلکه مهم مواجهه و برخورد افرادی است که در قبال مسئولیتی که دارند در شرایط بحرانی، نسبت به آن چه موضعی خواهند داشت. شاید در نگاه اول به نظر برسد که نمایش تنها محدود به این مکان و کانسپت بیمارستانی و درمانی و خطاهای

پزشکی است که البته چندان هم نادر نیست و بسیاری از بیماران با این دست خطاها، دچار صدمات زیاد و گاه جبران‌ناپذیری می‌شوند، اما در لایه‌های عمیق‌تر، رویکرد نویسنده و کارگردان و استفاده از طراحی کروماکی و سبز سینمایی موجود در تمام قسمت‌ها و وسایل صحنه، نشان می‌دهد که این اتفاق می‌تواند تعمیم‌پذیری به هر حوزه جمعی و اجتماعی داشته باشد. چه بسا در موقعیت‌های متفاوت و متعددی که مسئولیت شغلی یا اجتماعی بر عهده افراد است، به راحتی از آن شانه خالی کرده یا در صدد توجیه و رفع‌وجوع مشکلات حاصل از کم‌کاری خود

عدم مسئولیت‌پذیری با این واقعه در نظر گرفته شده و مطرح می‌شود، به کلیشه‌های مرسوم نزدیک است و حتی تکراری به نظر می‌رسد. پزشکی که با پرسنل و پرستاران وارد روابط خصوصی می‌شود، بنابراین نمی‌تواند چندان مسئولیت خود را صحیح انجام دهد، پرستاری که خود را ملزم به رسیدگی کامل بیمار و ورود و خروج همراهان نمی‌کند و شوهری که کاملاً نقشش به تیپ نزدیک شده و مردی است قادر که موجب شده تا همسرش دست به خودکشی بزند و به کما برود و در این وضع‌وحال، باز هم چشمش به دنبال خوارزن خود است، از این دست نمونه‌های کلیشه‌ای است. در عین حال و در طول نمایش، علامت سوال‌های زیادی نیز برای تماشاگر ایجاد می‌شود که پاسخی برای آنان نمی‌توان یافت. اما شاید بیش از همه می‌توان به بخش حضور نظامی در اتاق رئیس بیمارستان برای پرسش از علت استعفا، او، نقد داشت که اساساً آن پرده با کل نمایش در تضاد است. حتی اگر قرار بر ایجاد موقعیت طنزی در نمایشی رئال و جدی است، این موقعیت باید با کمیدی موقعیت تدارک دیده شود و نه طبق معمول بهره از کاراکتری شهرستانی و یا لهجه محلی که کمی هم شیرین عقل می‌زند، به آن دست یافت.



با این حال، کارگردان جوان و گروه تئاتری چهارم بر صحنه قشقایی نشان می‌دهد، دغدغه‌مند است. اشاره به معضلات اجتماعی و فرهنگ حاکم بر جامعه، مشکلات زبانی که تحت خشونت‌های خانگی شوهران خود قرار می‌گیرند و دچار آسیب‌های شدید جسمی و روانی می‌شوند، بی‌مسئولیتی و سوءاستفاده‌های افراد در جایگاه شغلی خود که می‌تواند به قیمت جان دیگران تمام شود، در جای خود ارزشمند است.

در عین حال، پرسوسه تمرین و پیشینه حضور در صحنه این گروه نیز قابل مشاهده است و می‌توان امیدوار بود که در آینده نزدیک، اجراهای حرفه‌ای‌تر و موفق‌تری را از آنان شاهد باشیم.

و مقصر جلوه دادن دیگری هستند.

«خون‌مردگی»، در این مسیر تلاش کرده با بازی‌های روان و جفت‌بستگی به کلیت ماجرا، پیرنگ اصلی را حفظ کرده و با فاصله و پرهیز از ورود به مضمون‌های جنایی و پلیسی، به محتوای انسانی آن پردازد. از نشانه‌شناسی و مفاهیم زیرلایه‌ای نیز بهره‌برد. با این حال، هرچند دغدغه گروه نمایشی چهارم در این باره ارزشمند است و در ابتدا، گزینش چنین سوزدهای که گویا از داستانی واقعی برداشت شده، جذاب است اما آنچه به‌عنوان واکنش‌ها و مواجهات افراد و دلایلی برای

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
همراه با ارزیابی کیفی «نوبت دوم»

شناسه آگهی: ۱۷۶۶۹۶۷

وزارت راه و شهرسازی



شرکت عمران شهری جدید

شرکت عمران شهرهای جدید در نظر دارد «خدمات ایاب و ذهاب درون شهری و برون شهری پرسنل» خود را از تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۱ بمدت یکسال از طریق مناقصه عمومی با شرایط ذیل واگذار نماید:

- ۱- اشخاص حقوقی و معتبر
- ۲- داشتن موضوع مرتبط با فعالیت در اساسنامه شرکت.
- ۳- دارا بودن تأیید صلاحیت از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- ۴- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (شرکت در مناقصه) معادل ۵,۵۹۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال مطابق با آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی.
- ۵- مبلغ برآورد انجام خدمات ۱,۹۲۰,۷۹۳,۶۰۰ ریال
- ۶- کلیه مراحل برگزاری فراخوان از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) (www.setadiran.ir) انجام خواهد شد و لازم است شرکت کنندگان در صورت عدم عضویت قبلی، نسبت به ثبت نام در سامانه مذکور اقدام نمایند.
- ۷- مهلت و نحوه دریافت اسناد: دریافت اسناد از تاریخ نشر آگهی تا ساعت ۱۴/۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۳۱ بوده و صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) امکان‌پذیر می‌باشد.
- ۸- مهلت و محل تحویل اسناد تکمیل شده: متقاضیان می‌بایستی جهت بارگذاری اسناد تکمیل شده دارای امضای الکترونیکی (فاقد امضای گرم) در سامانه ستاد (پاکت ب و ج و ارزیابی کیفی) تا ساعت ۱۴:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۱۷ اقدام نمایند.
- ۹- محل، ساعت و تاریخ گشایش پاکت ارزیابی کیفی: ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۱۸ و در محل شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید
- ۱۰- محل، ساعت و تاریخ گشایش پاکت مالی: ساعت ۱۰/۳۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۰ و در محل شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید.

م الف ۱۷۵۷



دیدگاه: تحلیل اقتصادی

عواقب رکود

اقتصاد چه اثری بر انتخابات می‌گذارد؟

مهتا معرفت

مترجم

اقتصاد آمریکا پس از رشد با نرخ‌هایی که مایه حسادت جهان ثروتمند بود، اکنون به نظر می‌رسد رو به کندی گذاشته است. سرمایه‌گذاران نگران‌اند که رکود در کمین باشد. آنها در دوم آگوست و پس از نظرسنجی ناامیدکننده از تولیدکنندگان و افزایش مطالبات مقرری بیکاری از این نگران شدند که شنیدند، نرخ بیکاری در کشور در ماه جولای به ۴/۳ درصد رسیده که بالاترین نرخ از سال ۲۰۲۱ به بعد است. بازارهای بورس جهان در ۵ آگوست ریزش کردند، هر چند روز بعد توانستند اندکی از آن ریزش را جبران کنند. اقتصاد در آمریکا عامل تعیین‌کننده‌ای در انتخابات نیست اما اهمیت دارد. مسیر آن در ۹۰ روز آینده بر شانس دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری ماه نوامبر تاثیر می‌گذارد. احتمالاً رکود سرنویشت بدی را برای خانم هریس رقم خواهد زد. اما حتی اگر آن‌گونه که به نظر می‌رسد اقتصاد رو به کندی برود به نفع ترامپ و به ضرر خانم هریس عمل خواهد کرد. آیا آمریکا واقعاً در آستانه رکود قرار دارد؟ برخی نشانگرها برای اقتصاد آمریکا شوم هستند. نرخ بیکاری از سطوح پایین اخیر خود به میزان چشمگیری بالا آمده است. چنین رویدادی در گذشته نشانه رکود تلقی می‌شد. محاسبات ساده نشان می‌دهد که با توجه به وضعیت اقتصاد، نرخ‌های بهره یک تا دو واحد درصد بالا هستند. نرخ بازدهی اوراق خزانه درازمدت از نرخ بازدهی اوراق کوتاه‌مدت کمتر شد چون سرمایه‌گذاران انتظار دارند، اقتصاد ضعیف شود و فدرال‌رزرو نرخ بهره را به شدت کاهش دهد. اما از تمام ابعاد چنین به نظر می‌رسد که آمریکا نه یک سقوط شدید بلکه کندی رشد تدریجی را تجربه می‌کند. از زمانی که نرخ بیکاری در آوریل ۲۰۲۳ به پایین‌ترین سطح رسید، افزایش نرخ بهره به تدریج بازارهای کار را سرد کرد. این امر به نوبه خود رشد دستمزدها را سرکوب و اعتماد خریداران را خدشه‌دار کرد. برخی شرکت‌ها از قبیل مک‌دونالد که مستقیماً با مشتریان سروکار دارند، آمار ناامیدکننده‌ای از رکود گزارش دادند. دیگر شرکت‌ها عملکرد بهتری داشتند و تولید ناخالص داخلی کشور هنوز رشد می‌کند. نرخ رشد آن در سه ماه دوم سال ۲/۸ درصد و بالاتر از روند درازمدت آن بود. رزرو میز در رستوران‌ها، مسافرت‌های هوایی و نرخ جمع‌آوری مالیات همگی حاکی از آن است که رشد اقتصاد همچنان قدرتمند خواهد ماند. علاوه بر این، نرخ‌های پایین بهره در درازمدت همانند یک واکسن برای اقتصاد عمل می‌کنند و با هجوم سرمایه‌داران ترسو به سمت اوراق قرضه در هفته پیش این نقش پررنگ‌تر می‌شود. بانک‌ها شرایط اعطای اعتبارات را تا حدی تسهیل کرده‌اند. فدرال‌رزرو باید برای تحقق انتظارات سرمایه‌گذاران نرخ سیاستی بهره را در ماه سپتامبر پایین آورد اما این کار صرفاً نمایشی خواهد بود. نرخ بهره وام‌های مسکن و کارت‌های اعتباری از هم‌اکنون رو به کاهش گذاشته است. اما اگر کندی رشد، و نه رکود، اتفاق بیفتد چه پیامدهای اقتصادی خواهد داشت؟ خانم هریس باز هم به دردمر می‌افتد. حتی اگر رای‌دهندگان هیچ اعتباری برای دموکرات‌ها به خاطر رونق اقتصادی قائل نشوند، آنها را به خاطر کندی رشد مقصر خواهند دانست. خانم هریس باید بتواند در کارزارش از سابقه اقتصادی دولت بایدن بهره‌برد. میانگین درآمد واقعی کارگران در مقایسه با زمانی که مردم آمریکا در سال ۲۰۱۶ پای صندوق‌ها رفتند ۹/۴ درصد بیشتر شده و نرخ بیکاری حتی در میان مردان فاقد دیپلم دبیرستان فقط ۵/۱ درصد است. نرخ تورم و بیکاری در ایالت‌های خاکستری از قبیل پنسیلوانیا از میانگین کشوری هم پایین‌تر است. با توجه به این واقعیت‌ها، گلایه‌مندی آقای ونس، رفیق حمایت‌گرای ترامپ از اینکه آمریکا مشاغل را قربانی واردات بی‌ارزش کرده است، محلی از اعراب ندارد. درک جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها از اقتصاد از سیاست‌هایشان نشأت می‌گیرد و در دو جهت مخالف است. اما رای‌دهندگان در مجموع به مدیریت اقتصادی دموکرات‌ها نمره کمتری می‌دهند، بخشی به آن دلیل که هر گاه به خرید می‌روند با دیدن برچسب قیمت‌ها غافلگیر می‌شوند. حتی اگر تورم رو به کاهش بگذارد، قیمت‌ها در مقایسه با زمانی که بایدن به قدرت رسید تقریباً ۲۰ درصد بالاتر است. موج کنونی تلاطم‌های بازار سرمایه وضعیت را بدتر نمی‌کند و اقدام ترامپ در نام‌گذاری «سقوط کامل» برای آن نیز پیش‌بینی‌پذیر اما ناشایست بود.

منبع: اکونومیست

در انتظار فرمانده

چه کسانی درباره آینده اقتصاد ایران تصمیم می‌گیرند؟

سعید خوش‌بین

خبرنگار سازندگی

سیدحمید پورمحمدی گل‌سفیدی و عبدالناصر همتی احتمالاً مهم‌ترین تصمیم‌گیران اقتصادی در دولت چهاردهم هستند. علی‌طینیا هم به عنوان مشاور اقتصادی رئیس‌جمهوری در دولت حضور دارد. سوال این است که چه کسی در جهت‌گیری‌های اصلی دولت، تصمیم‌نهایی را می‌گیرد.

راهبری طینیا

طینیا متولد ۱۳۳۹ در اصفهان است و دانش‌آموخته اقتصاد. تز دکترای او در مورد تورم ساختاری در ایران بوده و اکنون استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران است. طینیا در دولت دوم میرحسین موسوی، مشاور او بود و در دولت دوم هاشمی، دبیری کمیسیون اقتصادی دولت را بر عهده گرفت و در دوره خاتمی، مشاور کمیسیون اقتصادی دولت شد. پذیرش ریاست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی از سوی فرهاد رهبر موجب شد، وی طینیا را برای معاونت اقتصادی سازمان انتخاب کند. طینیا در دولت احمدی‌نژاد غریبه بود و گرایش او به اصلاحات موجب خشم اصولگرایان شده بود. در نهایت او مجبور به خروج از سازمان مدیریت شد. حسن

روحانی که به قدرت رسید، علی‌طینیا به عنوان یکی از نامزدهای پیوستن به کابینه مطرح شد. روحانی چندان موافق حضور او نبود اما روی سیدمحمد خاتمی را زمین نینداخت. طینیا با توصیه اصلاح‌طلبان وارد دولت شد و با پشتیبانی رسانه‌هایی که او را «طیب تورم» نامیدند، موفق شد از نمایندگان مجلس، رای اعتماد بالایی بگیرد. تیم اقتصادی حسن روحانی ظرف یک سال موفق شدند، نرخ تورم را از حوالی ۴۰ درصد به کمتر از ۱۵ درصد برسانند و پس از آن تورم به مدت چند فصل تکرر می‌شد. همکاری او و حسن روحانی به دولت دوازدهم نکشید، هرچند قرار بود طینیا دوستان نزدیکش را از حلقه امیرآباد فرخواند و به دولت پیوند دهد. او و روحانی در مراسم افطاری دفتر رهبری همدیگر را دیدند و قرار دادند که طینیا در ادامه همکاری صحبت کنند. طینیا قرار بود تیمی هماهنگ برای دولت دوازدهم پیشنهاد کند. توصیه او این بود که همتی به بانک مرکزی برود، خودش سکان سازمان برنامه را در دست گیرد و شاپور محمدی هم راهی وزارت امور اقتصادی و دارایی شود.

از این نقشه فقط حضور همتی در بانک مرکزی عملی شد و کار به دلایل زیاد نیمه‌تمام ماند. اکنون علی‌طینیا، مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور است و شاید طیب تورم دوست دارد همان نقشی را در دولت پزشکیان ایفا کند که مسعود نیلی در دولت اول حسن روحانی ایفا کرد. مسعود نیلی آن روزها برای حسن روحانی کلاس درس اقتصاد گذاشت و در عین حال، ستاد اقتصادی دولت را هم اداره کرد. تجربه‌ای که شاید طینیا هم خواهد تکرار کرد.

فرماندهی همتی

علی‌طینیا و عبدالناصر همتی سال‌هاست که همکاری دارند و رفیق. علاوه بر این، هر دو در زمره اعضای اصلی حلقه امیرآباد به حساب می‌آیند. اعضای این حلقه را اساتید دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران تشکیل می‌دهند. علی‌طینیا یکی از اعضای اصلی این حلقه است. عبدالناصر همتی هم یکی دیگر از اعضای این حلقه است. او سابقه ریاست بیمه مرکزی را دارد و در دولت دوم حسن روحانی نیز سکان بانک مرکزی را در دست گرفت.

عبدالناصر همتی در دولت دوم حسن روحانی قرار بود به عنوان سفیر به پکن اعزام شود. همتی پیش از سفر به چین، دقایقی فرصت پیدا کرد تا برنامه‌هایش را برای مقام معظم رهبری تشریح کند. از آنجا که رابطه با چین برای جمهوری اسلامی اهمیت دارد، همتی پیش از سفر به پکن به دیدار مقام معظم رهبری می‌رود. ملاقات ۱۵ دقیقه‌ای تبدیل به ۴۰ دقیقه می‌شود و پای بحث‌های اقتصادی هم به میان می‌آید که همتی نظرانش را مطرح می‌کند.

احتمالاً این دیدار زمینه‌ساز پذیرش پیشنهاد است که یک ماه بعد توسط حسن روحانی مطرح می‌شود. ماجرای پیشنهاد روحانی از این قرار است که همتی در تیر ۱۳۹۷ به پکن سفر می‌کند تا به عنوان سفیر ایران معرفی شود اما پیش از آنکه استوارنامه‌اش را تقدیم مقامات دولت چین کند به تهران فراخوانده می‌شود. از دفتر رئیس‌جمهوری تماس می‌گیرند و برای دیدار روحانی و همتی زمانی



تعیین می‌کنند. پیش از آنکه همتی به دیدار آقای روحانی برود، علی‌طینیا با او تماس می‌گیرد و می‌پرسد از طرف آقای روحانی با شما تماس گرفتند؟ همتی می‌گوید، بله و به زودی قرار است به دیدار ایشان بروم. طینیا می‌گوید آماده باشید چون قرار است درباره بانک مرکزی با شما صحبت کنند. ظاهراً طبق برخی توصیه‌ها، قرار است طینیا نیز به سازمان برنامه و بودجه برود و همتی عهده‌دار بانک مرکزی شود. این دو از سال ۱۳۵۶ با هم رفیق‌اند. یعنی پیش از ۴۵ سال است که رفت‌وآمد خانوادگی دارند. جز این، ارتباطشان و ایده‌هایشان به هم نزدیک است. در آن تماس تلفنی، همتی به طینیا می‌گوید: «اگر شما به سازمان برنامه‌بودجه بروید من هم قطعاً قبول می‌کنم» و طینیا این اتفاق را بسیار محتمل می‌داند. اما بعدها اتفاقات دیگری رخ می‌دهد که طینیا را از سازمان برنامه دور می‌کند. دیدار روحانی و همتی زمانی صورت می‌گیرد که زمزمه‌هایی مبنی بر کناره‌گیری ولی‌الله سیف از بانک مرکزی به گوش می‌رسد. حسن روحانی از همتی می‌خواهد، راهکارهایش را برای جلوگیری از افزایش قیمت ارز ارائه دهد و در نهایت هم از او می‌پرسد چه کسی را برای بانک مرکزی پیشنهاد می‌کنید؟ همتی می‌گوید: «شما اول گزینه‌هایتان را بگویید و من هم نظرم را می‌گویم اما شخصاً کسی را نمی‌شناسم». روحانی با ایماو اشاره به همتی پیشنهاد ریاست بانک مرکزی را مطرح می‌کند و همتی هم متوجه سیگنال‌های سخنان او می‌شود، پس خطاب به روحانی می‌گوید: «منظورتان این است که من قبول کنم؟» که روحانی هم پاسخ می‌دهد: «اگر قبول کنید خیلی خوب است». روزی که روحانی و همتی صحبت می‌کنند، دوشنبه است که همتی فردای همان روز برنامه‌ای ۳ صفحه‌ای تهیه می‌کند و به دفتر رئیس‌جمهوری می‌دهد. روحانی همان سه‌شنبه از همتی می‌خواهد که از فردا مشغول کار شود. همتی می‌پرسد: «فضیه چین به کجا می‌رسد که روحانی می‌گوید، فرد دیگری را می‌فرستیم».

روحانی به دفترش اطلاع می‌دهد که با امضای وزیر امور اقتصادی و دارایی، عبدالناصر همتی به عنوان رئیس کل بانک مرکزی معرفی شود. این اتفاق می‌افتد و با امضای مسعود کرباسیان، عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی ایران می‌شود.

سیدحمید پورمحمدی

سیدحمید پورمحمدی سال‌های طولانی با در وزارت اقتصاد، یا در بانک مرکزی یا در سازمان برنامه، نفر دوم و سوم بوده اما در این مدت تجربه زیادی اندوخته است. پورمحمدی مدیری با نگرش باز و تکنوکراتی با انعطاف بالاست که توان همکاری با همه دولت‌ها را دارد. نه اهل قهر و ناز است و نه زیادی انعطاف دارد. بودجه و برنامه را می‌شناسد و این قابلیت را دارد که بزرگان را گرد خود جمع کند. او با جوانان تحصیل‌کرده رابطه خوبی دارد و در سازمان برنامه، شماری از آنها را به کار دعوت کرده است. حسین رحمتی و امینه محمودزاده جزو این جوانان تحصیل‌کرده هستند که رئیس سازمان برنامه را همراهی می‌کنند.

نام سیدحمید پورمحمدی در سال ۱۴۰۰ وقتی عبدالناصر همتی با هدف حضور در رقابت‌های سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری از سمت خود به عنوان رئیس کل بانک مرکزی استعفا داد، سر زبان‌ها افتاد. حسن روحانی در نظر داشت، پورمحمدی را به ریاست بانک مرکزی منصوب کند و زمزمه‌هایی به گوش رسید اما در نهایت چنین اتفاقی رخ نداد. او خود در گفت‌وگویی تأکید کرده بود که پیشنهاد برای حضور وی در جایگاه رئیس کلی بانک مرکزی مطرح شده اما شخصاً این پیشنهاد را نپذیرفته است.

پورمحمدی چنانکه شرح دادیم، مدیری چشم‌گوش بسته نیست؛ او گاهی مخالفت می‌کند و پای حرف خود می‌ایستد و حتی زندان می‌رود. پورمحمدی مدیری با سیاست است و آنقدر سعه‌صدر و تجربه دارد که مشکلات را خودش حل کند. او در جایگاه معاون اقتصادی سازمان برنامه و بودجه از جمله منتقدان تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی بود و در نوزدهم دی ماه، یعنی چند ماه قبل از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی همچنین اجرای برنامه موسوم به جراحی اقتصادی اعلام کرده بود: «با ادامه سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی دولت برای تأمین ارز کالاهای اساسی، اقدام به خرید از سهامانه نیما می‌کند و این کار منجر به چاپ پول و تحمیل تورم به مردم می‌شود». مسعود پزشکیان در حکم انتصاب رئیس سازمان برنامه و بودجه، پورمحمدی را موظف به تحقق اهداف سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی مصوب مقام معظم رهبری و قانون برنامه توسعه کرده است.

اکنون حمید پورمحمدی ریاست سازمان برنامه و بودجه را بر عهده گرفته و چالش‌های بزرگی پیش‌رو دارد. او باید کسری بودجه را کاهش دهد و به اقتصاد رها شده، افسار بزند.

پورمحمدی هم داعیه فرماندهی اقتصاد ایران را در دولت چهاردهم دارد.

جمع‌بندی

علی‌طینیا محتمل است مثل جواد ظریف، زودتر از آنچه فکر کنیم از دولت چهاردهم خارج شود. شاید هم صبر پیشه کند و بماند که در این صورت، فرمانده اقتصادی، او خواهد بود. طینیا اگر دل به کار دهد، این قابلیت را دارد که سیاست‌های اقتصادی دولت را منجمد کند و بقیه هم قطعاً حرف او را گوش می‌کنند. اما اگر طینیا از دولت خارج شود، عبدالناصر همتی از موقعیت بهتری برای فرماندهی اقتصاد برخوردار است. اما مشکل اینجاست که وزارت اقتصاد، ستاد فرماندهی اقتصادی نیست. به این ترتیب باید حمید پورمحمدی را رهبر ارکستر اقتصادی دولت چهاردهم بدانیم. جایی که او با اقتصاددانان جوان از قدرت بیشتری برای تهیه برنامه‌های آتی اقتصاد ایران برخوردار است.

آگهی فقدان سند مالکیت

به اطلاع می‌رساند خانم عصمت صفری به استناد دادنامه حصر وراثت شماره ۱۶۵۴ مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۰۴ به عنوان ورثه مرحوم عبدالباقی صفری مالک ششدانگ پلاک ثبتی ۸۸۰ فرعی از ۲۷۴۲ - اصلی بخش ۳ سنندج (شش دانگ اعیانی یک قطعه باغ مو معروف به گور با گواهی پرداخت حقوق مالکانه طبق معمول سنواتی به مالکین عرصه) مدعی است سند مالکیت پلاک مرقوم که به نام مالک صادر گردیده، نزد احدی از ورثه به نام خانم فهیمه صفری می‌باشد که مراتب طی اخطاریه شماره ۱۱۶/۱۰/۲۶۴۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۳ به ایشان ابلاغ و پس از سپری شدن موعده قانونی اصل سند مالکیت و یا دلیل موجه قانونی از طرف ایشان ارائه نگردیده است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ - آیین‌نامه اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۸۰ در یک نوبت آگهی می‌گردد تا هر کس مدعی انجام معامله و یا وجود سند فوق نزد خود است از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این اداره مراجعه و با ارائه اصل سند و یا خلاصه معامله نسبت به اعتراض به صدور سند اقدام نماید. چنانچه دارنده سند مالکیت بدون مجوز قانونی طرف مهلت معین شده در آگهی، سند مورد مطالبه را تسلیم ننماید سند مالکیت وراثت متقاضی با رعایت کلیه مقررات قانونی صادر و تسلیم خواهد شد. تمامی دفاتر اسناد رسمی تابعه مکلفند که هر موقع سند مورث ابراز گردید آن را اخذ و برای اقدام به اداره ثبت ارسال دارند.

رونوشت:

۱- مدیریت محترم کل ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) در استان کردستان جهت استحضار

۲- تمامی دفاتر اسناد رسمی تابعه

م الف ۵۰۸۰

شناسه آگهی ۱۷۶۸۳۴۵

۲۵۹

لطف الله فلاحي - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک سنندج

دیدگاه: یادداشت اجتماعی

روزهای سخت فشافویه

قطعی آب به دو روز رسیده است

مجید قنبری
گزارشگر



بی‌آبی در تابستان داغ ۱۴۰۳ وضعیت زندگی در فشافویه را بحرانی‌تر از سال‌های گذشته کرده است. فشافویه‌ای که از آن به عنوان سرزمین دشت طلایی به دلیل وجود مزارع وسیع گندم و جو یاد می‌شود، پس از احداث سد امیرکبیر بر روی رودخانه کرج و قطع شدن آب رودخانه که از این بخش عبور می‌کرد، حالا تبدیل به سرزمینی خشک شده است. سفره‌های زیرزمینی از دست رفته‌اند و طی سال‌های اخیر به ویژه در فصول گرم این منطقه به شدت دچار تنش آبی می‌شود؛ تا جایی که آب حتی برای مصارف معمولی و روزانه شهروندان نیز به حد کفایت وجود ندارد.

از ابتدای مرداد ماه مشترکان خانگی در شهر حسن‌آباد فشافویه با افت فشار آب روبه‌رو شدند؛ تا جایی که در هفته قبل افت فشار، جای خود را به قطعی‌های ۱۲ ساعته و بعضاً یک روز و حتی قطعی دو روزه داد. قطعی آب ۲۴ ساعته جریان زندگی ساکنان قسمت‌های مختلف این شهر نظیر محلات امام‌رضا (ع)، مالک اشتر و شهرک بهشت را مختل ساخته و خانواده‌های عمدتاً کارگر را با تابستانی سخت روبه‌رو کرده است.

اهالی منطقه می‌گویند، در اوج بی‌آبی شاهد آبیگری شبانه تانکرهای آب از مخازن سازمان آب این شهر و انتقال آن برای یکی از ارگان‌های دولتی بوده‌اند که آن را بی‌عدالتی آشکار در حق اهالی می‌دانند.

بسیاری از نخبگان و فرهنگیان این شهر با اظهار تاسف فراوان بر این باورند که این روزها مدیران، سطح انتظارات آنان را از مطالبه‌گری برای افزایش خدمات بهداشتی درمانی، احداث بیمارستان و اتصال به خطوط مترو؛ تا حد درخواست برای داشتن آب حتی برای مصارف معمول و عادی روزانه کاهش داده‌اند و این کمبود شایسته مردمان فشافویه نیست.

ناراضی‌ها و اعتراض‌ها در منطقه فشافویه تا جایی پیش رفت که در نماز جمعه ۱۹ مرداد ماه حسین امیری، امام‌جمعه شهر لب به اعتراض‌گشود و اعلام کرد: «به داد مردم مظلوم و نجیب فشافویه برسید». امیری در خطبه‌های خود عنوان کرد، اگر مدیری قادر به تامین آب و برق مشترکان خانگی نیست فوری استعفا داده و کار را به فرد دیگری واگذار نماید.

به گفته حسن ایلاتو، رئیس شورای شهر این منطقه؛ بحران بی‌آبی فشافویه نتیجه بعیدن فزاینده تصور منابع آبی توسط واحدهای شهرک صنعتی شمس‌آباد و ندامتگاه تهران بزرگ است که با اعلام هشدارهای فراوان در مرداد سال جاری به طور شفاف، اثر خود را در زندگی شهروندان نشان داد.

ایلاتو معتقد است، زیرساخت‌هایی که دو دهه قبل برای تامین آب و برق ندامتگاه و شهرک صنعتی شمس‌آباد از سوی مدیران پایتخت‌نشین در نظر گرفته شده بود اکنون دیگر پاسخگوی نیاز آنها نبوده و به اجبار درحال تصرف منابع آبی شهر هستند تا جایی که بسیاری از مشترکان خانگی با قطعی‌های یک الی دو روز آب روبه‌رو شده‌اند.

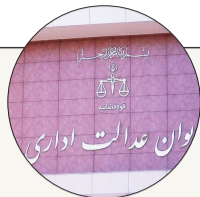
علاوه بر بحران حاصل از بی‌آبی، قطعی‌های پرتکرار برق و نوسانات آن نیز درد دیگری بود که ساکنان شهر حسن‌آباد فشافویه را در دمای ۴۷ درجه مرداد ماه رنج می‌دهد. خسارت‌های مالی سنگین ناشی از قطعی‌های مکرر برق به لوازم خانگی قشر ضعیف و کارگر فشافویه آنان را در وضعیت سخت‌تر اقتصادی قرار داده است.

به گزارش سازندگی؛ بخش فشافویه با وسعت ۱۸۰۰ کیلومتر مربع در جنوب شهرستان ری با جمعیت یکصد هزار نفری یکی از پنج بخش تابعه شهرستان ری است و به نوعی جنوبی‌ترین نقطه جغرافیایی پایتخت محسوب می‌شود. شهر فردگاهی امام خمینی (ره) و شهرک صنعتی شمس‌آباد به عنوان بزرگ‌ترین قطب صنعتی خاورمیانه با تعداد ۲۵۰۰ واحد تولیدی و ندامتگاه تهران بزرگ در این منطقه استقرار دارند. منطقه فشافویه زمانی ۷۰ درصد غلات استان تهران را تامین می‌کرد و حتی باغ «انگور، انار و به» دربار رضاشاه و محمدرضاشاه در این محدوده قرار داشت.



بازگشت سی تیر

وحیدرضا محمدی‌انارکی، شهردار منطقه ۱۲ تهران گفت: سرانجام محور ۳۰ تیر با تأکید بر اینکه این محور گردشگری است اما صرفاً به سمت اغذیه سوق داده شده بود، گفت: سازمان ساماندهی صنایع و مشاغل فراخوان جدید صادر کرده بود و از یک ماه آینده بهره‌بردار می‌تواند با کاربری فرهنگی و اغذیه در محور مستقر شود. همچنین بازار تنها ۵۰۰ جابجایی داشت که بعد از ۴۰ سال انشعاب فاضلاب بازار وصل می‌شود.



منتفی شد

بخشنامه اجبار معلمان به ادامه خدمت بعد از ۳۰ سال کار با ورود معاونت قضایی حفظ حقوق عامه دیوان عدالت اداری به موضوع، اصلاح خواهد شد. در راستای جلوگیری از تضییع حقوق فرهنگیان و پیگیری جمعی از معلمان در شرف بازنشستگی، دیوان عدالت اداری ورود کرد و در نهایت با هشدار به وزارتخانه مبنی بر مغایرت بخشنامه مذکور با تبصره ۶ ماده ۲۹ قانون برنامه هفتم این روند متوقف شد.



کاهش سطح آب خزر

مهدی رهنما، رئیس پژوهشگاه هواشناسی و علوم جو گفت: براساس مطالعات انجام شده، افزایش دما و کاهش بارش مهم‌ترین عوامل کاهش سطح آب دریای خزر هستند. تداوم این وضعیت موجب بی‌استفاده شدن بندرهای شمالی کشور می‌شود و آنها را باید به عمق بیشتر دریای خزر منتقل کنیم. علاوه بر آن منبع رطوبتی برای منطقه کاهش می‌یابد و موجب افزایش شدت تغییرات اقلیمی می‌شود.

مدافع زنان آمد

مراسم تودیع و معارفه معاون امور زنان رئیس‌جمهوری برگزار شد



برگزاری اولین جلسه شورای راهبری با حضور وزرای دولت سیزدهم

وی گفت: برخی از حرکات و رفتار حداکثر یک نگاه مسکنی به مشکلات دارد؛ جامعه ما از نظر روانی، آمادگی زعامت، هدایت و رهبری زنان را ندارد. معاون اول رئیس‌جمهور تصریح کرد: هنوز بعد از ۴ دهه از گذشت پیروزی انقلاب برای حضور زنان در بعضی از مجامع، چالش جدی داریم. برنامه هفتم را از امروز به خوبی و با حضور وزرای دولت سیزدهم کلید زدیم و اولین شورای راهبری را با اعضای دولت شهید رئیسی برگزار کردیم. وزرای دولت سیزدهم تا امروز با مصیبت با همکاری کردند. صندلی‌ها عوض می‌شود اما مسئولیت‌ها تغییری نمی‌کند. عارف اضافه کرد: بنا نیست ضعف‌های خودمان را با بدگویی از وزرای دولت قبل بیوشانیم و آنها را نفی کنیم؛ بنایست نقد کنیم تا بهتر جلو برویم.

جوان‌گرایی با جوان‌سوزی متفاوت است

او با بیان اینکه این روزها به منش ارزشمند دکتر پزشکیان بی‌انصافی می‌شود، تأکید کرد: جوان‌گرایی با جوان‌سوزی متفاوت است. می‌شود جوانی را در یک مسئولیت گذاشت و بعد از دو ماه پرونده‌اش برای همیشه بسته شود. معاون اول رئیس‌جمهور افزود: افراد با پتانسیل زیادی را به اشتباه در جایی گذاشتیم که آمادگی نداشتند چون توانمندسازی نکردیم لذا امروز مسئولان را بین افراد خاصی پیدا می‌کنیم. جوان‌گرایی و شایسته‌سالاری کار ساده‌ای نیست باید زحمت کشید و جوانان با استعداد را کشف و آماده پذیرش مسئولیت کرد. چون این روند را طی نکرده‌ایم امروز به اجبار سهمیه می‌گذاریم. عارف گفت: راهبر ما این است که در پایان چهار سال دولت، چند صد نفر نیروی توانمند در زمینه‌های مختلف را تحویل جامعه دهیم، کسانی که بشود در مدیریت کشور از آنها استفاده کرد.

آماده پذیرش طرح‌ها برای تربیت زنان نخبه و توانمند هستیم

وی با بیان اینکه آمادگی داریم طرحی به کمک سازمان سابق جوانان، بنیاد امور نخبگان و سازمان امور اداری و استخدامی آماده شود تا چند صد نفر را تربیت کنیم، افزود: یکی از زنان جوان بسیار برجسته را برای اولین بار در یک وزارتخانه زیربنایی به مجلس معرفی کردیم؛ از مجلس درخواست داریم به این راهبرد عنایت داشته باشد. معاون اول رئیس‌جمهور تأکید کرد: گاهی سوالات بی‌ربطی مطرح می‌شود که نشان می‌دهد هنوز زنان ما را نشناختند و به

گروه اجتماعی: مراسم تودیع و معارفه معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با حضور محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور دیروز برگزار شد.

انسسیه خزعلی، معاون امور زنان و خانواده دولت سیزدهم نیز در این جلسه خطاب به محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور گفت: به جای یک نفر، چند وزیر زن به مجلس معرفی می‌کردید. معاون اول رئیس‌جمهور هم در پاسخ گفت که حالا رای این یکی را بگیریم، بعداً بیشتر استفاده خواهیم کرد.

همچنین عارف در این مراسم گفت: در سال ۸۳ یک سوال از خانم زهرا شجاعی پرسیدم که این سوال را هم از خانم بهروزآذر می‌پرسم. «اگر این معاونت نبود، چه کمبودی برای زنان داشتیم؟» زنان در ۸ سال دفاع مقدس در دو جبهه جنگیدند، در خط مقدم و در پشتیبانی از جنگ. زنان ما در دانشگاه‌ها درخشیدند.

نرخ باسوادی زنان ما از ۱۵ درصد اوایل انقلاب به بالای ۸۵ درصد امروز رسیده است. در کارهای سخت نمی‌توانید رد پای زنان را ببینید.

عارف تأکید کرد: ما برنامه توسعه را داشتیم و ۲۰ سال وقت داشتیم به کشور اول منطقه تبدیل شویم اما الان کجا هستیم؟ او (خانم بهروزآذر) به ما پاسخ دهند که زنان کجا هستند؟ آیا با اهداف بلند و شعاری می‌توانیم به کمک نیمی از جمعیت کشورمان برسیم؟ شاخص‌های پیشرفت علمی دختران در مقابل پسران را دنبال کنید. مطمئن هستم که در اکثر شاخص‌ها دختران ما بهتر هستند.

بانوان نیازی به تبعیض ندارند

او با بیان اینکه خانم‌ها نیازی به تبعیض ندارند، گفت: نیازی به سهمیه‌ای که گاهی خودمان دادیم و در مجلس دهم ۳۰ درصد لیست نمایندگان تهران را به زنان سهمیه دادیم که موفق هم بودند و عملکرد ۹ نماینده تهران نسبت به عملکرد ۲۱ نماینده مرد در مجلس دهم می‌چرید؛ این واقعیت است. من کمتر شعار می‌دهم؛ بروید بررسی کنید.

معاون اول رئیس‌جمهور اضافه کرد: می‌خواهیم نظام شایسته‌سالار داشته باشیم اما امروز نظام مردسالار است. در جلسات گاهی از خانم‌ها تعریف می‌کنیم چون می‌خواهیم شب در خانه دعوا نداشته باشیم، این راهش نیست؛ این رفتار یک حکومت مردمی نیست.

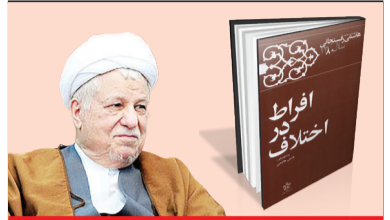
عارف با بیان اینکه دنبال شرایطی هستیم که هیچ تبعیضی بین زن و مرد در حکمرانی و پذیرفتن مدیریت‌ها و مسئولیت‌ها نباشد، افزود: ارتقای جایگاه زن در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری یک اصل است.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی‌هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیراقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروف‌چین: مجتبی دیگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۹۱۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۰۶۴

ادامه یکشنبه ۲۰ خرداد

افتتاح مراسم هفته وحدت

به منزل برگشتم و تا عصر درباره جایگاه اهل بیت مطالعه کردم. عصر از استخر خانه استفاده کردم. به سالن کنفرانس سران برای افتتاح مراسم هفته وحدت [= چهاردهمین کنفرانس وحدت اسلامی] رفتم. آقای [محمد] واعظ‌زاده، [رئیس مجمع جهانی اهل بیت] خیرمقدم گفت و من سخنرانی مفصلی کردم؛ درباره اهمیت اتحاد مسلمانان و خطرهای تفرقه و نقش اهل بیت در هدایت جامعه و تدبیر پیغمبر (ص) که متأسفانه برعکس مساله اهل بیت، به جای محوریت وحدت، نقطه آغاز اختلافات شده است. از آقای واعظ‌زاده خواستم که در دانشگاه مجمع [جهانی اهل بیت] رشته‌ای برای بررسی عوامل تفرقه در دنیای اسلام و پیدا کردن راهکارهای ایجاد وحدت و همکاری تأسیس شود. خصوصی با آقای واعظ‌زاده از احتمال اثر معکوس موضوع بحث کنفرانس - جایگاه اهل بیت - صحبت کردم و در صحبت هم تذکره دادم که مواظب باشید، موضوع باعث تحریک عواطف و اختلافات نشود.

مراسم عقد همشیره‌زاده‌ها - سمیرا و امید هاشمی شریف‌آباد - بود. من و اخوی محمود، خطبه عقد را خواندیم. جمع زیادی از بستگان آمدند. شب هم جمع زیادی از بستگان فامیل مرعشی آمدند؛ از موفقیت موزه رییس‌جمهور در رفسنجان گفتند و استقبال مردم و خدمات متعددی که به مردم می‌دهند. دیشب در پی اعلام پیروزی آقای [سیدمحمد] خاتمی، [در انتخابات ریاست‌جمهوری] جمعی از جوانان دختر و پسر در بعضی از خیابان‌ها و پارک‌ها به شادی و پایکوبی پرداخته‌اند و جمعی از انصار حزب‌الله با آنها برخورد کرده‌اند. در بعضی از شهرستان‌ها هم این اتفاق افتاده است. در جریان انتخابات، یک هلی‌کوپتر حامل ۹ نفر در چهارمحال و بختیاری ساقط شده و متأسفانه همه سرنشینان فوت کرده‌اند.

دوشنبه ۲۱ خرداد

دیدار با سفیر ایتالیا

صبح [آقای ریکاردوسا]، سفیر ایتالیا آمد؛ از وضع روابط و همکاری‌ها ابراز رضایت کرد و گفت، بنای این روابط خوب را شما گذاشتید و دولت ایتالیا هم به رغم سیاست‌های متغیر اتحادیه اروپا، سیاست همکاری با ایران را تداوم داده و امروز محور سایر کشورهاست و به رغم تغییرات سریع دولت‌های ایتالیا معمولاً سیاست خارجی کشور دچار تزلزل نمی‌شود و در مدت ۵۵ سال بعد از جنگ جهانی دوم ۵۸ دولت در ایتالیا عوض شده و [جولیو] آندرونوتی ۷ بار نخست‌وزیر شده است. بیش از حد ملاقات با سفرا وقت صرف شد.

امیر [عبدالله] عقبایی آمد؛ اخیراً با قید کفالت از زندان آزاد شده است؛ نظلم کرد. دکتر [حسن] فیروزآبادی، [رئیس ستادکل نیروهای مسلح] را عامل مشکلات پرونده‌اش می‌داند و استمداد کرد. جمعی از مدیران و اساتید دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم آمدند. آقایان [سیدمحمدتقی] آل‌غفور، دکتر [علیرضا] صدرا، دکتر [مهدی] ابوالحسنی، دکتر [داود] فیروچی، دکتر احمد ایران‌منش و [نجف] لکزایی و غلامحسین مقیمی [گزارشی از وضع تحصیلی‌شان دادند و از من خواستند برای تقویت سطح علمی کمک کنم. تعداد ۸۰۰ دانشجو در رشته‌های فلسفه، کلام، تاریخ و علوم سیاسی دارند و گفتند ۴۰ درصد قبولی دکترای این رشته‌ها در دانشگاه‌های دولتی را فارغ‌التحصیلان آنها تشکیل می‌دهند.

از فراستی تا حیدری

چرا ناگهان عذر برخی میهمانان صداوسیما خواسته می‌شود؟



نیره خادمی

گروه تاریخ

برنامه زنده تلویزیونی شبکه ورزش، روز گذشته باز هم حاشیه‌ساز شد و پس از سخنان علیرضا حیدری درباره کیمیا علیزاده، مجریان با رفتاری عجیب ولی به ظاهر محترمانه از او خداحافظی کردند. رفتار مجریان این شبکه در برابر این قهرمان کشتی ایران در ویژه برنامه اختتامیه المپیک ۲۰۲۴ پاریس به قدری غیرمنتظره بود که حسین توکلی، مهمان دیگر برنامه هم در واکنش به آن گفت: «اما رو نمی‌فرستیم بریم؟ آقای حیدری تنها بره!» بعد از انتشار فیلم در شبکه‌های اجتماعی و روانه شدن سیل انتقادات به نحوه مدیریت برنامه و رسانه ملی، خبرگزاری‌های دولتی به تکذیب این موضوع پرداختند. ایسنا به نقل از حیدری نوشت: «موضوع آن‌طور که در فضای مجازی مطرح شد، نیست و کسی بنده را از برنامه بیرون نکرد. من خودم از مجریان و تهیه‌کننده برنامه درخواست کرده بودم که زودتر پخش زنده را ترک کنم چراکه دیروقت بود و خسته بودم. اینکه کسی گفته باشد من دیگر در برنامه نباشم، این‌طور نبود و من خودم می‌خواستم برنامه را ترک کنم». میثم محمدزاده یکی از مجریان برنامه هم این موضوع را به شکل دیگری تکذیب کرد و گفت که چون حسین توکلی و علیرضا حیدری با هم آمده بودند، اینکه ناگهان علیرضا حیدری رفت برای حسین توکلی تعجب‌برانگیز بود چون اصلاً در جریان ماجرا نبود و به همین خاطر او متعجب شد و تصور کرد چون با هم آمدند باید با هم بروند.

اعتراض به قطع میکروفن

این قبیل اتفاقات و جنجال در برنامه زنده در شبکه‌های مختلف صداوسیما چندان بی‌سابقه نیست و بارها پیش آمده که رفتار مجریان باعث ترک برنامه توسط میهمانان شده است. در واقع طرح اتهام به یکی از شیوه‌های مرسوم تبدیل شده، شیوه‌ای که طی آن در نهایت به فردی که مورد اتهام قرار گرفته، اجازه دفاع داده نمی‌شود. در تیرماه ۱۴۰۳ و در جریان میزگرد فرهنگی انتخابات ریاست‌جمهوری، ماجرا به این صورت پیش رفت و طرح اتهام از سوی شهاب اسفندیاری، کارشناس برنامه میزگرد فرهنگی نسبت به محمد فاضلی، جامعه‌شناس و استادیار اخراج شده دانشگاه شهید بهشتی به عنوان مشاور مسعود پزشکیان، باعث تنش شد و او هم به نشانه اعتراض، صحنه را ترک کرد. اسفندیاری خطاب به پزشکیان گفته بود: «کسی که کنار شما نشست به دلیل تخلف از دانشگاه اخراج شده است». اما در زمان پاسخ فاضلی اجازه اتمام توضیحات داده نشد و میکروفن او و اسفندیاری را قطع کردند. محمد فاضلی هم

در واکنش به این رفتار، برنامه را ترک و میکروفن خود را به سمت میز پرتاب کرد. بسیاری از چهره‌های سیاسی و فرهنگی نسبت به این ماجرا واکنش نشان دادند، از جمله محسن برهانی، حقوقدان و از اساتید در آستانه اخراج دانشگاه تهران که اکنون نیز در زندان است در پیامی در حساب ایکس نوشت: «به عنوان معلمی که داغ دانشگاه را چشیده است، دکتر فاضلی را درک می‌کنم ولی اگر جای ایشان بودم، صبوری پیش می‌گرفتم و در دام کارشناس نمی‌افتادم. اما یادمان باشد که شروع‌کننده ظالم است (البادی الظلم)؛ کارشناس مغالطه و مساله را شخصی کرد». علی مطهری، نایب‌رئیس پیشین مجلس هم در این باره معتقد بود که مقصر شهاب اسفندیاری بوده است، چراکه وارد شدن به مساله شخصی آقای فاضلی که باعث عصبانیت او شد، درست نبود. آن زمان روزنامه‌های اصولگرا هم با چشم‌پوشی از رفتار صداوسیما، رفتار فاضلی را مورد نقد قرار دادند. علی شمسی‌پور، سخنگوی وزارت علوم تحقیقات و فناوری در شبکه فیلتر شده ایکس نوشت: «آقای دکتر فاضلی توسط دکتر نصیری قیداری، رئیس دانشگاه شهید بهشتی منصوب دولت آقای روحانی اخراج شده و با ایشان برخورد سیاسی نشده است». این‌درحالی بود که فریدون جعفری، مدیرکل بازرسی وزارت علوم دولت دوازدهم در توییتهای این موضوع را رد کرد: «به‌عنوان حقوقدانی مستقل و بی‌طرف و مدیرکل سابق بازرسی وزارت علوم در دولت دوازدهم که از نزدیک در جریان ادعای پایان همکاری (اخراج) آقای دکتر فاضلی بودم،

از قهر فراستی تا ترک جلسه توسط چهره ماندگار جغرافیا

برنامه «من و شما» با اجرای آرش ظلی‌پور در پاییز سال ۹۷ هم با حاشیه‌های این چنینی همراه شد که البته در نهایت منجر به توییح مجری و توقف برنامه شد. در این یک مورد مسئولان سازمان، فرد خاطی را برکنار کردند؛ برخوردی که البته هیچ‌گاه در مواجهه با میهمانان دیگر، چندان تکرار نشد. در این برنامه، مسعود فراستی درحال طرح توضیحاتی بود که مجری در لابه‌لای صحبت‌های فراستی گفت: «چرا فکر می‌کنید حرف‌های شما به سیمای ایران کمک می‌کند؟ از اولین برنامه «هفت» چه اتفاقی افتاد؟ ما رو به جلو رفتیم؟ پس مسعود فراستی اقتدر که خودش فکر می‌کند هم آدم تاثیرگذاری نیست». فراستی هم که قصد داشت جواب ظلی‌پور را بدهد، گفت: «حرفت را تمام کن و چون ادب نداری. من حرفم را با این جمله تمام می‌کنم و برنامه را ترک می‌کنم؛ من آدم بگویی که فیلم‌های «هزارها»، «آمیول» و «لس آنجلس تهران» فیلم‌هایی به شدت ضداجتماعی هستند و در نهایت گرایش به این فیلم‌ها، تنها منجر به بالا بردن دستمزد بازیگران می‌شود». مهدی فخیم‌زاده، کارگردان کهنه‌کار ایرانسی در آبان سال ۹۶ به نشانه اعتراض استودیوی برنامه «سینما دو» را ترک کرد و پیش‌تر در آذر سال ۱۳۹۵ پرویز کردوانی، چهره ماندگار جغرافیا آتن زنده شبکه خبر را رها کرد و رفت. او در واکنش به محدودیت زمان و شرایط بیان حقایق و اینکه برنامه کنترل شده، ادامه یافته میکروفن یقه‌ای خود را باز کرد و در میان اصراهای مجری برای حضور، برنامه را ترک کرد. چند روز بعد به صورت تصویری علت ترک جلسه را این‌گونه توضیح داد: «دیدم بمونم فحش میدم. دوستمون به هم میخورن. بلند شدم رفتم».



چهره

کاسترو، کارگر یا بورژوا

سالروز تولد سیاستمدار انقلابی کوبا



امروز سالروز تولد فیدل کاسترو، سیاستمداری انقلابی است که در کوبا به یکی از نمادهای ضدآمریکایی تبدیل شده و یکی از طولانی‌ترین دوره‌های حکومت یک فرد در جهان را رقم زده است اما این حکمرانی برای مردم کوبا رفاه و آزادی و عدالت به ارمان نیاورد. او در سیزدهم آگوست ۱۹۲۶ در شهر بیران در استان اولگین در شرق کوبا به دنیا آمد و اگر در سال ۲۰۱۶ از دنیا نمی‌رفت حالا ۹۸ ساله شده بود. پدر او ابتدا کارگر بود و بعد به زمین‌داری بزرگ تبدیل شد بنابراین او از یک‌سوسو فرزند کارگر بود و از سوی دیگر در خانواده‌ای زمین‌دار و مرفه بزرگ شد و زندگی دوگانه‌اش در همدردی با محرومان و توجه به زندگی اشرافی به‌نوعی با پیشینه خانوادگی‌اش ارتباط داشت. کاسترو برای ماه‌ها سسل، آمریکا را انتخاب می‌کرد، سیگار برگ امل می‌کشید و هم‌زمان از گرسنگان می‌گفت. مهم بود که دیده شود، به همین دلیل در زمان تحصیل حقوق در دانشگاه هوانا برخلاف سایر دانشجویان، همیشه سیاه می‌پوشید که دیده شود و با خودروی گران‌قیمت‌ش همان جا مانوی می‌داد.

در روزهای پیش از ورود به دانشگاه و هم‌زمان با جنگ جهانی دوم، هیتلر و موسولینی قهرمانان او شدند و در طول دوران حکومتش برای اینکه در لباس دیکتاتورها نرود، «دموکراسی بی‌واسطه» را ابداع کرد. او در میانه سخنرانی‌اش، نظر مردم را می‌پرسید بنابراین دیگر نیازی نمی‌دید «فراندم» یا «انتخابات» برگزار کند اگر چه در اواسط دهه ۱۹۷۰ یک رفراندوم هم برگزار کرد. حدود ۱۵ سال پس از به قدرت رسیدن کاسترو ۹۷/۷ درصد کوبایی‌ها قانون اساسی جدید کوبا را تأیید کردند. «انتخابات» در کوبای کاسترو به رسمیت شناخته شد اما فقط اعضای حزب کمونیست حق کاندیداتوری در انتخابات را داشتند.

کاسترو از سال ۱۹۵۲ که باتیستا، رهبر دیکتاتور کوبا با حمایت ارتش بر کل کشور مسلط شد و در واقع با کودتا به قدرت رسید با «انتخابات» و «مبارزه» مسالمت‌آمیز خداحافظی کرد و با هدف انقلاب برای سرنگونی باتیستا به مبارزه مسلحانه معتقد شد. در جریان این مبارزه دو سال زندانی شد و سخنانش در دادگاه او را تبدیل به مردی مشهور کرد. او خود را پیرو خوزه مارتی، انقلابی بزرگ کوبا معرفی کرد؛ کسی که جزو رهبران انقلاب کوبا علیه اسپانیا بود. با وجود تأثیر آمریکا در شکست اسپانیا و دست کشیدن از کوبا به همین واسطه اما کاسترو در دوران رهبری‌اش همچنان به آمریکاستیزی می‌پرداخت.

کاسترو پس از آزادی از زندان، فهمید که نمی‌تواند در کوبا انقلاب کند بنابراین به مکزیک رفت و با چه‌گوارا آشنا شد و روند مبارزه با رژیم باتیستا ادامه پیدا کرد تا در سال ۱۹۵۸ که فرو ریخت و بعد کاسترو با وعده دموکراسی، صلح و آزادی و رفاه و حاکمیت مردم کارش را شروع کرد. او اما نتوانست وعده‌هایش را عملی کند، اگرچه اغلب لباس نظامی‌اش را بر تن داشت. در دوران حکومتش به اعمال زور پرداخت و صریحاً به مردم کوبا گفت: هر کس زندگی در کوبا را نمی‌خواهد، می‌تواند کوبا را ترک کند. سه سال پس از آغاز حکومتش ۴۰ هزار نیروی نظامی و ۲۰ موشک اتمی شوروی را در کوبا مستقر کرد. او پس از پیروزی انقلاب کوبا صرفاً عهددار مسئولیت ارتش کوبا شد و سخنرانی‌هایش را ادامه می‌داد تا ۷ ماه بعد که رئیس‌جمهور وقت را به خیانت متهم کرد. کاسترو در زمان نخست‌وزیری، اگرچه اقدامات مثبتی در گسترش سوادآموزی کودکان روستایی، ارتقای خدمات بهداشتی و پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی رایگان برای تمام مردم کوبا داشت اما به محدودیت در آزادی مطبوعات پرداخت و با تشکیل پلیس مخفی، مخالفتش را پیدا می‌کرد؛ روندی که باعث مهاجرت بسیاری از افراد از کوبا شد.